

گلزار ابرار فی سیر الاخیار

(در شرح احوال عرفا و مشایخ هند)

نگاشته

محمدبن حسن بن موسی غوثی شطاری ماندوی

(در گذشته ۱۰۲۲ ق)

به تصحیح:

یوسف بیگ باباپور

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۱



سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

: غوثی شطاری ماندوی، محمدحسن بن موسی، ۱۰۲۲ق.؟

: گلزار ابرار فی سیرالاکتیار (در شرح احوال عرفا و مشایخ هند) / نگاشته محمدبن
حسن بن موسی غوثی شطاری ماندوی (درگذشته ۱۰۲۲ق.); به تصحیح یوسف
بیگ باباپور

مشخصات نشر

: تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری

: پنجاه و چهار، ۷۴۰ ص

فروست

: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره انتشار ۳۳۴.

شابک

: 978 - 600 - 220 - 149 - 2

وضعیت فهرست‌نویسی

: فیا

یادداشت

: کتابنامه: ص. [۶۹۱] - [۶۹۲]; همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع

: کتابنامه -- هند -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده

: بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۵۷ -

شناسه افزوده

: ایران. مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

رده‌بندی کنگره

: ۱۳۹۱ گ ۸ غ ۹ / BP ۲۷۸

رده‌بندی دیوبی

: ۲۹۷ / ۸۹۲

شماره کتابشناسی ملی

: ۲۸۴۴۲۸۲



گلزار ابرار فی سیر الاخیار

(در شرح احوال عرفا و مشایخ هند)

نگاشته: محمد بن حسن بن موسی غوثی شطاری ماندوی
(در گذشته ۱۰۲۲ ق.)

با مقدمه و تصحیح: یوسف بیگ بابایور

حرره و چین و صفحه‌آرا: رضا علی‌محمدی

شماره انتشار: ۳۳۴

ناظر فنی: نسیمی ابوبی‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۵۰

بها: ۲۵۰ ریال

شابک: 978 - 600 - 220 - 249 - 2

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه،

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان

فروردین، طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۶۶۹۶۴۱۲۱

تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، رو به روی بانک ملی ایران،

ساختمان ۱۱۸، واحد ۴ (سفیر اردهال) تلفن: ۸۸۳۱۹۳۴۲

نشانی سایت اینترنتی: www.ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام صورت آرای معانی

حرفتمی که از ماژ علی و فرسنگی کشورمان به زنجیره تحقیق و تصحیح می پیوندد و انتشار می یابد. گویای منزلت سباز ایرانیان در کسره دانش را همیشه بشری، و پیوستگی سلسله حیات معنوی و فرسنگی آنها در او تاریخ است. از اینرو هر چه بیشتر میراث مکتوب خود را عرض کنیم، بهتری توانیم امروز خود را با گذشته شگوبند و شگوفای خویش گره بزیم و فردای بهتری را برای آیندگان این رسم کنیم.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی با دارا بودن کتبخانه‌های کرمان و کلان از آثار و آثار اسلامی و ایرانی، وظیفه خود می داند به قدر امکانات، به چاپ و نشر متون و اسناد سپردار و آسانا در اختیار جامعه علمی و فرسنگی کشور قرار دهد.

گلزار ابرارانی سیرالانبار، تالیف محمد غوثی شطاری (دکده شده ۱۰۲۶ق) شتال بر شرح حال میش از پانصد تن از مشایخ صوفیه، عرفا و علما... شبه قاره است. شرح حال بسیاری از معاصرین مؤلف در این کتاب، از اہمیت ویژه ای برخوردار است.

از جناب آقای یوسف بیک بابا پور که این متن ارزشمند را عرضه کرده اند، سپاسگزاریم.

محمد حبیبی

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه مصحح	سی و سه
تفکر و تصوف اسلامی در هند	سی و هشت
سلسله‌های صوفیان هند	چهل
چشتیه	چهل و یک
سهروردیه	چهل و دو
قادریه	چهل و سه
نقشبندیه	چهل و چهار
منابع منظوم و منثور صوفیه	چهل و پنج
گلزار ابرار و مؤلف آن	چهل و نه
نسخه‌های موجود و مورد استفاده	سی‌چاه و سه
تقدیر و تشکر	پنجاه و چهار

[متن کتاب]

۱	بیابچه
۶	سراغاز تمهید فراهم آمدن این نامه و شمه‌ای از بیان باعث
۸	سخن در آرایش نامه به نام نامی که به نوید غیبی دانسته آمد
۱۲	شمه‌ای از گزارش پیراستگی زمانه و آراستگی زمانیان به برکات دوام دولت او

- گفتار در پوزش آن که دعای «قدس الله سره» در پای نام مشایخ نوشته و هر یک را به صیغه
 ۱۴ وحدت یاد کرده
- گفتار در سرانجام سرای کردار و رفتار
 ۱۶ گفتار در التماس تسمیه این مجموعه
- گفتار در تمهید آن که معنی هر عالم صورتی است مناسب آن
 ۱۷ گفتار در تشبیه و تعبیر الهیات
- گفتار در التزام ملازمت دانایان فنون
 ۱۸ گفتار در انگاره فهرست این نامه
- گفتار در تعیین القاب
 ۱۹
 ۲۲ آغاز نخستین چمن
- در گزارش ماجرای طایفه صفت کیشان و دانش پيشگان و پرهیزگاران و خدایپرستان و
 ۲۵ مجذوبان قرن سابع و کردار ایشان است
- یاد شاه یوسف ملتانی
 ۲۵ یاد شیخ ابوالحسن علی پُور اَبی علی عثمان هجویری جلابی
- یاد شیخ فخرالدین حسین زنجانی
 ۲۷ بابا حاجی رتن بن نصر هندی
- یاد ارواحه معین الدین حسن چشتی سجزی
 ۲۸ یاد ارجمند فرزندان معین الاولیاء
- یاد چندی از خلفای معین الاولیاء
 ۲۸ یاد حکیم ضیاء الدین حامد بلخی
- یاد شیخ حمید الدین دهلوی
 ۳۰ یاد شیخ مجدالدین سجزی
- یاد شیخ نظام ناگوری
 ۴۰ یاد شیخ فخرالدین احمد اجمیری
- یاد شیخ عبدالله رازی
 ۴۱ یاد شیخ صفی الدین ابراهیم پور عبدالله رازی
- یاد ارواحه قطب الدین بختیار کاکای
 ۴۱ انجمن فرزندان و خلفای کامگار ارواحه قطب الدین بختیار اوشی کاکای
- یاد شیخ محمود نهرواله
 ۴۲
 ۴۲
 ۴۲
 ۴۶
 ۴۸

- یاد حاجی مجدالدین جاجرمی دهلوی ۴۸
- یاد شیخ وجیه‌الدین یحیی دهلوی ۴۹
- یاد فخرالدین زاهدی ۴۹
- یاد شیخ شهاب‌الدین حق‌گوی پور شیخ فخرالدین زاهدی ۵۰
- یاد قاضی حمیدالدین ناگوری ۵۱
- یاد شیخ فریدالدین گنج‌شکر ۵۳
- انجمن فرزندان و چندی از خلفای شیخ الاسلامی مخدوم شیخ فریدالدین مسعود گنج‌شکر ۵۴
- شماره برگزیده خلفای گنج‌شکری ۵۸
- یاد شیخ جمال‌الدین احمد خطیب هانسوی ۵۹
- یاد شیخ عارف ملتانی ۶۰
- یاد شیخ شمس‌الدین داود پالچی ۶۰
- یاد مولانا احمد حافظ دهلوی ۶۱
- یاد شیخ بهاء‌الدین سیکری وال ۶۱
- یاد شیخ بهاء‌الدین زکریا پور مولانا وجیه‌الدین بن علی شاه قرشی خوارزمی ۶۱
- یاد شیخ فخرالدین ثانی ۶۳
- یاد شیخ جلال سرخ بخاری ۶۴
- یاد شیخ حسین کاه‌بر ملتانی ۶۵
- یاد شیخ بهمر و ملتانی ۶۵
- یاد شیخ رکن‌الدین ابوالفتح پور شیخ صدرالدین بن شیخ بهاء‌الدین زکریا قدس أسرارهم ۶۵
- یاد شیخ عمادالدین اسمعیل ملتانی ۶۹
- یاد شیخ علم‌الهدی ۷۰
- یاد شیخ الهداد احمدآبادی ۷۰
- یاد شیخ موسی ۷۱
- یاد شیخ حمیدالدین صوفی سعیدی ناگوری سوالی ۷۱
- یاد اولاد سلطان‌التارکین ۷۳
- یاد شیخ جلال‌الدین تبریزی ۷۴
- یاد صوفی بدھنی ۷۵
- یاد شیخ نورالدین دهلوی ۷۶
- یاد شیخ محمد ترک نارنولی ۷۷

- ۷۸ یاد مولانا معین الدین عمرانی
- ۷۹ یاد شیخ سید معروف شهید
- ۸۰ یاد شیخ احمد نهر واله
- ۸۰ یاد شیخ امام الدین آبدال دهلوی
- ۸۱ یاد سید موپله
- ۸۲ خاتمه اولین چمن
- ۸۵ ابتدای دومی چمن
- ۸۶ یاد شاه مدار
- انجمن پاکروان مسلک سلسله مداریه طیفوریه و تحقیق احوال جمعی مقلدان مشرب او که
- ۸۷ محتاج آمرزش و تکرار درخواست اند
- ۹۰ یاد شیخ یحیی بن شیخ اسرائیل منبری
- ۹۱ یاد سید محمد کرمانی
- ۹۱ یاد مولانا سراج منهاج
- ۹۲ یاد شیخ صدرالدین عارف بن شیخ بیاء الدین زکریا
- ۹۲ یاد شیخ ثورالدین ملک یار پزان
- ۹۳ یاد برهان الدین محمود بن ابی الخیر اسعد بلخی
- ۹۴ یاد سلطان مشایخ نظام الاولیاء
- ۹۷ انجمن
- ۹۹ یاد خلفای نظام الاولیاء
- ۱۰۰ یاد خواجه ابوبکر
- ۱۰۰ یاد مولانا وجیه الدین پایلی
- ۱۰۰ یاد مولانا جمال المله والدین دهلوی
- ۱۰۱ یاد مولانا جمال الدین اودھی
- ۱۰۱ یاد شیخ مبارک گوپاموی
- ۱۰۱ یاد خواجه مؤید الدین گرینی
- ۱۰۲ یاد خواجه کریم الدین سمرقندی
- ۱۰۲ یاد خواجه علی شاه بن شیخ محمود جاندار
- ۱۰۳ یاد مولانا فصیح الدین

- یاد مولانا فخرالدین المروزی ۱۰۴
- یاد شیخ برهان الدین غریب ۱۰۴
- یاد شیخ کمال الدین یعقوب نہروالی ۱۰۵
- یاد امیر خسرو ۱۰۶
- یاد امیر حسن علاء سجزی دہلوی ۱۰۸
- یاد شیخ نظام الدین ابوالمؤید ۱۱۱
- یاد شیخ قطب الدین مہور ۱۱۱
- یاد شیخ بدر الدین سمرقندی ۱۱۲
- یاد شیخ رکن الدین فردوسی ۱۱۳
- یاد شیخ نجیب الدین فردوسی ۱۱۳
- یاد شیخ شرف پور شیخ یحییٰ بن اسرائیل منیری ۱۱۴
- یاد شیخ بدر الدین غزنوی ۱۱۵
- یاد مولانا کمال الدین زاہد ۱۱۶
- یاد شیخ شرف پانی پتی ۱۱۷
- یاد شیخ نظام الدین شیرازی ۱۱۸
- یاد شیخ وجیہ الدین یوسف چندیری ۱۱۸
- یاد خواجہ مؤید الملہ والدین ۱۱۹
- یاد مولانا حسام الدین ملتان ۱۲۰
- یاد مولانا حسام الدین نہروالہ ۱۲۱
- یاد شیخ سراج الدین عثمان ۱۲۱
- یاد شیخ عمر أشعد لاهوری ۱۲۲
- یاد شیخ نور قطب عالم ۱۲۲
- یاد شیخ جلال الدین جحد شیخ حسام الدین مانکپوری ۱۲۳
- یاد مولانا خواجہ ۱۲۳
- یاد مولانا حسام الدین مانکپوری - رحمہ اللہ ۱۲۴
- یاد شیخ کالو ۱۲۶
- یاد شیخ شمس الدین محمد ۱۲۶
- یاد مولانا شیخن مانکپوری ۱۲۶
- مولانا برهان الدین صوفی پور جمال الاولیاء ہانسوی ۱۲۷
- یاد مولانا شمس الدین یحییٰ ۱۲۷

- ۱۲۸ یاد مولانا فخرالدین زرادی
- ۱۲۸ یاد شیخ شمس اوتاوله
- ۱۲۹ یاد شیخ حیدر
- ۱۲۹ یاد خواجہ تقی الدین نوح
- ۱۲۹ یاد خواجہ ابوبکر مصلی بردار
- ۱۳۰ یاد خواجہ رفیع الدین ہارون
- ۱۳۰ یاد شیخ بابو حسنی
- ۱۳۱ یاد خواجہ شمس الدین دہلوی خواہرزادہ امیر خسرو
- ۱۳۱ یاد خواجہ عزیز الدین بن خواجہ ابوبکر
- ۱۳۱ یاد مولانا مغیب الدین دہلوی
- ۱۳۱ یاد سید شمس الدین خاموش
- ۱۳۲ یاد مخدوم جہانیاں
- ۱۳۵ یاد امیر سید احمد بن سید محمد کرمانی
- ۱۳۵ یاد شیخ نصیر الدین محمود اودھی
- ۱۳۶ یاد شیخ ابراہیم امام شیخ نصیر الدین چراغ دہلی
- ۱۳۶ یاد سید حسین نہروالہ خلیفہ نظام اولیاء
- ۱۳۸ یاد بی بی آرام حضور
- ۱۳۹ یاد سید نور الدین مبارک
- ۱۴۰ یاد شیخ محمد نہروالہ کہ در آن دیار بہ شیخ حاجی نامور است
- ۱۴۲ یاد خواجہ یعقوب بن خواجہ بن خواجگی
- ۱۴۴ یاد قاضی علم الدین
- ۱۴۵ یاد شیخ برہان الدین نہروالہ
- ۱۴۶ یاد شیخ شہاب الدین عاشق
- ۱۴۷ یاد شیخ عماد الدین دہلوی
- ۱۴۷ یاد شیخ جلال الدین مجرد ترکستانی
- ۱۴۸ یاد سید معین الدین ایرجی
- ۱۴۸ یاد سید احسن
- ۱۴۹ یاد مخدوم قاضی برہان الدین
- ۱۵۰ یاد مخدوم قاضی اسحاق
- ۱۵۱ یاد خواجہ مؤید مہنہ

- یاد مولانا محمد امین ۱۵۱
- یاد شیخ محمد پور شیخ ابراہیم ملتانی ۱۵۲
- یاد شیخ سالار ۱۵۳
- یاد مولانا علم الدین شرف جہان ۱۵۴
- یاد شیخ نبان مرید شیخ لال ۱۵۴
- یاد شیخ شہر اللہ ۱۵۴
- یاد شیخ جلال بن شیخ عبداللہ دانشمند ۱۵۵
- یاد شیخ عبدالملک قاری ۱۵۵
- خاتمہ چمن دوم ۱۵۶
- شروع سومین چمن ۱۵۹
- یاد بابا اسحق مغربی ۱۵۹
- یاد مولانا احمد بن محمد تھاپیری ۱۶۱
- یاد خواجہ ضیاء الدین برنی ۱۶۲
- یاد شیخ رکن الدین مودود کان شکر نہروالہ ۱۶۳
- یاد سید محمد گیسودراز ۱۶۴
- یاد سید محمود بن سید سماء خورد بن سماء بزرگ بن ناصر مصری ۱۶۵
- یاد شیخ یوسف بدہ ایرجی ۱۶۶
- یاد شیخ علی پرو ۱۶۶
- یاد مولانا نظام الدین خاموش ۱۶۷
- یاد خواجہ عبداللہ امامی اصفہانی ۱۶۸
- یاد مخدوم شیخ جمال الدین احمد کھتو ۱۶۸
- یاد قاضی شہاب الدین عمر زابلی دولت آبادی جونپوری ۱۷۰
- یاد میر سید اشرف جہان گیر ۱۷۱
- یاد مولانا رکن الدین خوافی ۱۷۲
- یاد شیخ سراج سوختہ ۱۷۳
- یاد قطب عالم بتوہ ۱۷۳
- یاد سید تاج الدین سوہی نہروالہ ۱۷۴
- یاد خواجہ علاء الدین غجدوانی ۱۷۴
- یاد سید علاء الدین راتھی ۱۷۵

- ۱۷۶ یاد شیخ الاسلام
- ۱۷۷ یاد شیخ محمد پور عیسی
- ۱۷۸ یاد مولانا نظام الدین نہروالی
- ۱۷۸ یاد ملک شرف الدین شاہ شہباز
- ۱۸۱ یاد شیخ محمد اساولی
- ۱۸۱ یاد شاہ نسیم الدین مندوی
- ۱۸۳ یاد سید احمد پور محمود
- ۱۸۶ یاد مولانا فتح اللہ
- ۱۸۷ یاد شیخ عزیز اللہ پور شیخ یحیی بن شیخ لطیف الدین
- ۱۸۸ یاد شاہ عالم گجراتی
- ۱۸۹ یاد قاضی عطاء اللہ چشتی
- ۱۹۰ یاد مولانا سعد الدین تاشکندی
- ۱۹۰ یاد شاہ عبداللہ شطاری
- ۱۹۵ یاد برہان المحققین خواجہ ناصر الدین عبید اللہ
- ۲۰۰ یاد مولانا سید حسن
- ۲۰۱ دیگر مولانا قاسم
- ۲۰۱ دیگر میر عبدالاول
- ۲۰۲ یاد مولانا جعفر
- ۲۰۳ یاد مولانا برہان الدین ختلانی
- ۲۰۳ یاد مولانا لطف اللہ ختلانی
- ۲۰۴ یاد مولانا شیخ
- ۲۰۵ یاد مولانا ابوسعید اوبھی
- ۲۰۶ یاد مولانا سلطان
- ۲۰۷ یاد مولانا محمد قاضی
- ۲۰۷ یاد مولانا خواجہ علی تاشکندی
- ۲۰۸ یاد شیخ حبیب تاجر تاشکندی
- ۲۰۸ یاد مولانا نور الدین تاشکندی
- ۲۰۹ یاد مولانا زادہ اتراری
- ۲۰۹ یاد مولانا ناصر الدین اتراری
- ۲۱۱ یاد مولانا نور الدین عبدالرحمان جامی

- ۲۱۹ لختی احوال حلاوت بخش مولانا جامی
- ۲۲۳ یاد مولانا علاء الدین مکتب دار
- ۲۲۴ یاد مولانا عبدالله فرنخودی
- ۲۲۴ یاد درویش منصور سیزواری
- ۲۲۴ یاد مولانا محمد روحی
- ۲۲۵ یاد شیخ چهبه اساولی
- ۲۲۵ یاد شیخ فخرالدین گنج اسرار جونپوری
- ۲۲۶ یاد شیخ بهاء الدین گنج روان
- ۲۲۷ یاد شیخ کمال الدین حسین بن خالد اجمیری ناگوری
- ۲۲۹ یاد سید حامد حسین چشتی
- ۲۲۹ یاد شیخ نورالدین احمد مندوت
- ۲۳۰ یاد شیخ داؤد اساولی
- ۲۳۰ یاد شاه ابدال
- ۲۳۱ یاد شاه نعمان
- ۲۳۲ یاد شاه عبدالله بن شاه یوسف بهائی قریشی
- ۲۳۲ یاد شاه نعمت الله چشتی
- ۲۳۲ یاد شیخ تاج الدین محمد دهلوی
- ۲۳۳ یاد میر ابوالنجیب شاه طیب
- ۲۳۳ یاد مولانا شمس الدین
- ۲۳۳ یاد مولانا زین الدین تایبادی
- ۲۳۴ یاد حاجی سلیمان بن اسرائیل
- ۲۳۵ آخرین ساغر دور نهم
- ۲۳۹ ابتدای چمن چهارم
- ۲۳۹ یاد شیخ محمد علا بنگالی، معروف به شیخ محمد قاضن شطاری
- ۲۴۰ یاد شیخ رحمت الله پور عزیزالله متوکل
- ۲۴۱ یاد فرزندان شیخ عزیزالله المتوکل علی الله
- ۲۴۲ یاد مولانا محمد تاباد کالی
- ۲۴۳ یاد شیخ داود بن فیض الله
- ۲۴۴ یاد شیخ بدهن شطاری جونپوری

- ۲۴۴ یاد مولانا عبدالرحمان کازدگر
- ۲۴۵ یاد مولانا محمد حرانی
- ۲۴۵ یاد امیر سید علی قوام
- ۲۴۶ یاد شیخ سماء الدین دہلوی
- ۲۴۶ یاد شیخ جارالله مکی
- ۲۴۷ یاد خواجہ مرتضیٰ تائبادی
- ۲۴۷ یاد بابا حیدر اندال
- ۲۴۸ یاد مولانا روح اللہ
- ۲۴۸ یاد مولانا معین الدین واعظ ہروی
- ۲۴۹ یاد شیخ بہاء الدین شہاء حاجن
- ۲۵۱ یاد مولانا نظام الدین حسین
- ۲۵۲ یاد مولانا غیاث الدین احمد
- ۲۵۲ یاد میرعلایی بن مولانا نظام الدین حسین پور مکتب دار
- ۲۵۳ یاد شیخ غیاث الدین انکور
- ۲۵۴ یاد مولانا محمود کمانگر
- ۲۵۵ یاد مولانا نور اللہ
- ۲۵۵ یاد شیخ میرجان
- ۲۵۶ یاد شیخ جلال میتو
- ۲۵۶ یاد شیخ کبیر
- ۲۵۷ یاد شاہ میان جیو چشتی
- ۲۵۸ یاد شیخ ظہور حاجی حمید حضور گوالیاری بن مولانا ظہیر الدین غزنوی
- ۲۶۲ یاد شیخ ابوالفتح ہدایت اللہ سرمست بن شیخ قاضن شطاری
- ۲۶۲ یاد مولانا شمس الدین محمد زیرک
- ۲۶۳ یاد شیخ بخشو
- ۲۶۳ یاد شیخ عطن
- ۲۶۴ یاد شیخ عبداللہ بیابانی بن شیخ سماء الدین دہلوی
- ۲۶۴ یاد شیخ چندن قریشی
- ۲۶۵ یاد ابوبکر قریشی
- ۲۶۵ یاد شیخ جلال محمد قادری
- ۲۶۷ یاد شیخ احمد نارنولی

- یاد شیخ عبدالوہاب بخاری ملتانی ۲۶۹
- یاد شیخ سالار ناگوری ۲۷۰
- یاد شیخ جمال پتھری ۲۷۰
- یاد سید حسینی ۲۷۱
- یاد شیخ علاء الدین عیسی دہلوی ۲۷۲
- یاد شیخ محمد بن خواجہ تاج الدین محمد ۲۷۳
- یاد شیخ محمود مودودی لاری ۲۷۳
- یاد خواجہ جانوں علاء تاج ناگوری ۲۷۴
- یاد شیخ پھول ۲۷۵
- یاد سیّد معظم ۲۷۶
- یاد شیخ ابراہیم بن عمر سندھی ۲۷۶
- یاد شیخ مبارک بالادست ۲۷۷
- یاد قاضی محمود بن چایلده ۲۷۷
- یاد مولانا عبدالکریم بن عطاء اللہ نیمدھی ۲۷۸
- یاد سید ہبہ اللہ کہ بہ شاہ میر مشہور است ۲۷۹
- یاد شیخ عبدالقدوس حنفی ۲۸۰
- یاد شیخ فضل اللہ گجراتی ۲۸۲
- یاد شیخ نصیر الدین تمیمی انصاری ۲۸۳
- یاد ملک چاند والدمیان جموجی ۲۸۴
- یاد شیخ سلیمان بن عفان جامی ۲۸۵
- یاد شیخ احمد مدنی ۲۸۶
- یاد شیخ نصیر الدین ہندونی ۲۸۷
- یاد شیخ امین الدین مسکین ۲۸۷
- یاد شیخ حسین ۲۸۸
- یاد شیخ علاء الدین دہلوی ۲۹۰
- یاد شیخ علاء الدین بن شیخ بدر الدین سلیمان پور گنج شکر ۲۹۱
- یاد شاہ عبدالرزاق جہنجانوی ۲۹۲
- یاد شاہ تاجو بن شیخ کمال الدین ۲۹۳
- یاد سید نظام مندوی بن سید شرف بن سید غیاث ۲۹۵
- یاد سید حسین پور سید محمد بن جلال بن زہید ۲۹۷

- ۲۹۸ یاد شیخ علاء الدین مجذب المشهور به علاؤل بلاؤل
- ۳۰۲ یاد شیخ کمال الدین قریشی
- ۳۰۳ یاد شیخ احمد پور نعمت الله
- ۳۰۴ یاد مخدوم اعظم مولانا خواجگی احمد
- ۳۰۶ یاد مولانا محمد مجد
- ۳۰۶ یاد شیخ چندن دسوری
- ۳۰۸ یاد سید زبید شاه بده
- ۳۰۸ یاد مولانا قاضی خان بن یوسف ناصحی
- ۳۰۹ یاد شیخ محمد عنفی
- ۳۰۹ یاد شاه منصور
- ۳۱۱ یاد شیخ عبدالملک قاری
- ۳۱۲ یاد شیخ عبدالحکیم بن شاه باجن
- ۳۱۲ یاد شیخ حسن بن شیخ محمود انصاری شیرازی
- ۳۱۴ یاد شیخ امان الله پانی پتی
- ۳۱۴ یاد قاضی مینان
- ۳۱۵ یاد شیخ جکن کهندوتی
- ۳۱۶ یاد شیخ جلال
- ۳۱۷ یاد مبارک خان هروی
- ۳۱۸ یاد سید محمد بن سید معظم
- ۳۱۹ یاد شیخ دانشمند
- ۳۲۰ یاد شیخ او هو حصاری
- ۳۲۰ یاد شیخ ابراهیم کلهورا سندھی
- ۳۲۱ یاد سید ابوسعید بن سید راجو
- ۳۲۲ یاد خطیب ابوالفضل شیرازی
- ۳۲۲ یاد مولانا لطف الله، مرید مولانا خواجگی کاشانی
- ۳۲۲ یاد خواجه بهاء الدین محمد بن مولانا خواجگی کاشانی
- ۳۲۳ یاد مولانا ولی میان کالپی
- ۳۲۳ یاد مولانا عماد طارمی
- ۳۲۴ یاد قاضی قاضن سندھی
- ۳۲۴ یاد سید عبدالاول دولت آبادی

- یاد شیخ شاه محمد بن حسن طاهر قادری ۲۲۵
- یاد پیر باجر مندو والی ۲۲۶
- یاد شیخ حسن بدله ۲۲۷
- یاد شیخ جلال بن طیب چانپانیری ۲۲۸
- یاد شیخ محمود چشتی رنتپوری ۲۲۸
- یاد میر سید جلال بن سید صدراالدین حسینی ۲۲۹
- یاد سید شاه مراد ۲۳۱
- یاد شیخ نصرالدین بن شیخ داود بن شیخ شاه صدیقی ۲۳۱
- یاد شیخ سعدالدین بدین خیرآبادی ۲۳۴
- یاد شیخ بُده ۲۳۴
- انجمن اصحاب شهر و ارباب حضور سلسله عشقیه شطاریه ۲۳۵
- یاد شیخ ابوالمؤید محمد الملک بن عبداللہ بالغوث ۲۴۱
- جوهر خمسہ ۲۴۵
- جوهر اول در گزارش اصناف عبادت است، از نماز و روزه و ادعیه و جز آن ۲۴۵
- جوهر دوم، در بیان اطوار زهد و پرهیزگاری که کار بستن آن به چشم عابد کامل ۲۴۵
- جوهر سیوم، در اعمال دعوت اسمای عظام، و ادعیه مأثوره، و احزاب مشهوره ۲۴۵
- جوهر چهارم، در شرح مشرب شطار است ۲۴۶
- جوهر پنجم، در بیان اشغال ورثه الحق ۲۴۷
- مناجات ۲۴۸
- یاد شیخ عبدالمؤمن بن شیخ محمد بن شیخ خلیل چشتی ۲۵۲
- یاد شیخ سراج ۲۵۳
- یاد قاضی قطب مجذوب ۲۵۳
- یاد قاضی مطب مجرد ۲۵۴
- یاد قاضی قطب شیخ برهان الدین انصاری کالپی ۲۵۵
- یاد مخدوم عباس بن جلال سندی ۲۵۶
- یاد شیخ شاه علی احمدآبادی ۲۵۷
- یاد شیخ شکر ۲۵۸
- یاد شیخ دهیان سندهی ۲۵۸
- یاد شیخ کمال الدین بن سلیمان قریشی ۲۵۸
- یاد شیخ فضل الله بن شیخ حسین چشتی ملتانی ۲۵۹

- ۳۶۰ یاد شیخ علی شیر بنگالی
- ۳۶۱ یاد شیخ حسین پور ملک محمد
- ۳۶۲ یاد شیخ عبدالملک عباسی
- ۳۶۳ یاد شیخ عبدالعزیز
- ۳۶۴ یاد مولانا پایندہ قلبی نام
- ۳۶۴ یاد شیخ ادریس بن شیخ بہاء الدین جونپوری
- ۳۶۵ یاد شیخ حسین بغدادی
- ۳۶۶ یاد شیخ بہاء الدین مفتی
- ۳۶۷ یاد شیخ مبارک سندھی
- ۳۶۸ یاد سید مرشد الدین ولد میر رفیع الدین محدث صفوی
- ۳۶۹ یاد مولانا میر مفتی
- ۳۶۹ یاد شیخ عبدالحکیم گڑھ شیش کالہ
- ۳۷۰ یاد شیخ قصاب
- ۳۷۱ یاد شیخ راجی محمد عینی
- ۳۷۳ یاد حافظ عبدالکریم بصیر
- ۳۷۳ یاد مرزا شاہ نقشبندی
- ۳۷۴ یاد شیخ حسن محمد پور سانجی احمد
- ۳۷۵ یاد خواجہ جوہیاری
- ۳۷۵ یاد شیخ لہرہ
- ۳۷۶ یاد شیخ محمد بن طاہر نہروالہ
- ۳۷۷ یاد سید عبداللہ آنندی ملتانی
- ۳۷۹ یاد فقیہ علی
- ۳۷۹ یاد قاضی عبدالقادر بن علی
- ۳۸۰ یاد شیخ نجم الدین
- ۳۸۰ یاد خواجہ محمد عبداللہ
- ۳۸۲ انجمن فرزندان او
- ۳۸۴ خواجہ خاوند محمود
- ۳۸۵ یاد خواجہ عبدالحق
- ۳۸۷ یاد خواجہ عبدالعلیم
- ۳۸۸ یاد خواجہ عبدالشہید بن خواجہ محمد عبداللہ

- ۳۹۲ یاد محمد بن شیخ عبدالملک قاری خالدی
- ۳۹۳ یاد شیخ محمد بن ابی اللطف
- ۳۹۴ یاد ابونصر طبلاوی مصری
- ۳۹۴ یاد شیخ علی قادسی
- ۳۹۵ یاد شیخ معروف و شیخ عثمان
- ۳۹۵ یاد شیخ محمد فقیہ
- ۳۹۶ یاد شیخ زبیر اللہ بن شیخ عمر مند والی
- ۳۹۷ یاد میان مہاجی بن داود
- ۳۹۷ یاد شیخ برہان
- ۳۹۷ یاد شیخ ابو جیو
- ۳۹۸ یاد شیخ نادر بیابانی
- ۳۹۹ یاد شیخ فتح اللہ راج گری
- ۴۰۰ یاد شیخ موسیٰ
- ۴۰۱ یاد شیخ ولی محمد خال شیخ لشکر محمد عارف
- ۴۰۲ یاد شیخ حمید لار
- ۴۰۳ یاد شیخ جمال بن شیخ الاسلام
- ۴۰۳ یاد شیخ تقی الدین محمد
- ۴۰۴ یاد شیخ اولیاء پور شیخ سراج
- ۴۰۵ یاد شیخ احمد بن شیخ جلال چانپانیری
- ۴۰۶ یاد شیخ زکریا
- ۴۰۷ یاد شیخ صدر الدین ذاکر
- ۴۰۸ یاد شیخ چاون بن عمر چشتی
- ۴۱۰ یاد مولانا روح الدین
- ۴۱۰ یاد شیخ حسن محمد خواہر زادہ شیخ صدر الدین محمد ذاکر
- ۴۱۱ یاد مولانا عبدالجلیل جونپوری
- ۴۱۱ یاد شیخ حسن پور شیخ عبداللہ قریشی
- ۴۱۲ یاد راجی سید مصطفیٰ
- ۴۱۳ یاد شیخ شمس الدین
- ۴۱۴ یاد شیخ عبدالوہاب افغان
- ۴۱۵ یاد شیخ منور پور شیخ نور اللہ بن قاضی الہداد

- ۴۱۷ یاد شیخ یوسف بنگالی
- ۴۱۸ یاد شیخ ابراہیم قاری شطاری
- ۴۱۹ یاد شیخ قطب الدین جهان ذاکر نہروالہ
- ۴۲۰ یاد شیخ بایزید سروانی
- ۴۲۰ یاد لشکر محمد عارف
- ۴۲۶ یاد قاضی محمود موربی
- ۴۲۷ یاد شیخ اولیاء
- ۴۲۸ یاد شیخ رکن الدین محمود
- ۴۲۸ یاد شیخ یوسف قادری
- ۴۲۹ یاد شیخ حسن ہشتی
- ۴۲۹ یاد شیخ محمد
- ۴۳۰ یاد شاہ منجہن بن عبداللہ قاضی خیر الدین شریف
- ۴۳۱ یاد خواجہ کلان
- ۴۳۲ یاد شیخ یوسف بن عبداللہ تمیمی انصاری
- ۴۳۲ یاد مولانا کاسہ گرانی
- ۴۳۳ یاد مخدوم جعفر
- ۴۳۳ یاد مخدوم بایزید لاکہ
- ۴۳۴ یاد مخدوم بلال سندھی
- ۴۳۴ یاد مولانا خرد دیوانہ
- ۴۳۵ یاد شیخ صدیق برودرہ
- ۴۳۶ یاد شیخ عبدالرحمان صوفی سرہندی
- ۴۳۶ یاد شیخ طیب
- ۴۳۷ یاد شیخ عربی دیانہ سندھی
- ۴۳۸ یاد شیخ سعداللہ دہلوی چشتی
- ۴۳۸ یاد سید حیدر
- ۴۳۹ یاد شیخ کتین لاکہ
- ۴۳۹ یاد شیخ محسن کھانہ
- ۴۴۰ یاد شیخ محمود بن جلال
- ۴۴۱ یاد شیخ محبت
- ۴۴۲ یاد سید بدرالدین بن سید جلال متوکل

- ۴۴۴ یاد شیخ راجی محمد برودرہ
- ۴۴۴ یاد شیخ میان آبا
- ۴۴۵ یاد حاجی ابراہیم سرہندی
- ۴۴۶ یاد شیخ ودود اللہ شطاری بن شیخ معروف صدیقی
- ۴۴۸ یاد میان وجیہ اللہ سنندی
- ۴۴۸ یاد شیخ احمد متوکل اُجینی
- ۴۴۹ یاد شیخ معروف بن قاسمی سعد اللہ
- ۴۵۱ یاد مولانا اسماعیل سومرہ
- ۴۵۱ یاد شیخ عبداللہ کیتواس
- ۴۵۱ یاد ملا دوست صحائف
- ۴۵۲ یاد شیخ جنید مُنتی
- ۴۵۲ یاد شیخ نظام بن عبدالکریم ازغول
- ۴۵۳ یاد شیخ پیارہ
- ۴۵۴ یاد سید ابراہیم بھکری
- ۴۵۵ یاد شیخ عبداللہ قدیمی
- ۴۵۶ یاد شیخ ابوزید
- ۴۵۶ یاد مخدوم نوح ہالہ کنندی
- ۴۵۷ یاد شیخ مبارک مجذوب
- ۴۵۷ یاد سید حبیب اللہ
- ۴۵۸ یاد شیخ نظام مجذوب
- ۴۵۸ یاد شیخ عبدالجلیل ناگوری
- ۴۵۹ یاد ملک محمود پیاروہ
- ۴۵۹ یاد سید مصطفیٰ محبوب اللہ
- ۴۶۰ یاد شیخ محمد نابلسی
- ۴۶۱ یاد شیخ قاسم
- ۴۶۲ یاد شیخ پھول مجذوب
- ۴۶۲ یاد شیخ جمال
- ۴۶۳ یاد شیخ الہداد مارہرہ
- ۴۶۳ یاد شیخ محمود بنجارہ
- ۴۶۴ یاد شیخ عبدی

- ۴۶۴ یاد شیخ شہاب الدین واصل
- ۴۶۵ یاد شیخ عبدالملک
- ۴۶۵ یاد شیخ الہ بخش چشتی
- ۴۶۶ یاد شیخ علی متقی بن حسام الدین جونپوری
- ۴۶۷ یاد شیخ خواجہ عالم
- ۴۶۸ یاد شیخ بیوہ
- ۴۶۹ یاد شیخ وجیہ الدین احمد بن شیخ نصر اللہ علوی
- ۴۷۴ یاد قاضی جلال الدین ملتانی
- ۴۷۵ یاد قاضی صدر الدین لاهوری
- ۴۷۷ یاد ملک شیر حلوتی
- ۴۷۸ یاد شیخ عبدالغفور بن دارہ بن خان قادری
- ۴۷۸ یاد شیخ زین الدین پور شیخ پور
- ۴۷۹ یاد شیخ عبدالکریم کبیر محی گجراتی
- ۴۷۹ یاد سید حسین
- ۴۸۰ یاد شیخ یوسف لنگ
- ۴۸۱ یاد شیخ آدم صوفی
- ۴۸۱ یاد شیخ محمد پور شیخ ابوالحسن بکری شافعی مصری
- ۴۸۵ یاد شیخ ہانسا بخاری
- ۴۸۶ یاد شیخ حمزہ
- ۴۸۶ یاد شیخ امان اللہ
- ۴۸۷ یاد شیخ نور الدین ضیاء اللہ
- ۴۸۹ یاد حاجی ابراہیم محدث قادری
- ۴۹۰ یاد شیخ امان اللہ افغان
- ۴۹۲ یاد شیخ اسحاق قلندر سندھی
- ۴۹۲ یاد شیخ افضل محمد
- ۴۹۳ یاد شیخ طاہر بن یوسف بن رکن الدین بن معروف بن شہاب الدین سندھی
- ۴۹۷ یاد شیخ محمود بن عبداللہ گجراتی
- ۴۹۸ یاد قاضی ابراہیم بن قاضی محمد
- ۴۹۹ یاد سید ہبہ اللہ
- ۵۰۰ یاد شیخ ولی پور ملوک شاہ صدیقی

- یاد شیخ فتح اللہ بہروجی ۵۰۰
- یاد شیخ کرم اللہ ۵۰۱
- یاد شیخ عبدالکریم ۵۰۲
- یاد میان جموجی ۵۰۴
- یاد سید پیر سیدی تخلص ۵۰۵
- یاد خواجہ کلان خواجہ دھبیدی ۵۰۵
- یاد شیخ الہ بخش لمبھوری ۵۰۶
- یاد شیخ علاء الدین ثانی مجذوب ۵۰۶
- یاد شیخ بابو جیو بن شیخ جیو ۵۰۸
- یاد سید تاج الدین قادری نھرالہ ۵۰۸
- یاد خواجہ کلان بن مولانا خواجگی ۵۰۹
- یاد شیخ لاد جیو سناہی ۵۱۰
- یاد بابا بھرنگ ۵۱۰
- یاد حکیم عثمان بن شیخ عیسیٰ ۵۱۲
- یاد خواجہ اسحاق بن مولانا خواجگی ۵۱۳
- یاد شیخ عثمان بن لادن قریشی ۵۱۴
- یاد شیخ ابو الفتح بن جمال الدین مکی عباسی قادری ۵۱۵
- یاد شیخ داود برری ۵۱۷
- یاد شیخ کمال پور شیخ ابراہیم بن شیخ جمال ۵۱۷
- یاد شیخ ضیاء الدین چشتی ۵۱۸
- یاد قاضی عبدالغنی ۵۱۹
- یاد شیخ نظام ۵۱۹
- یاد شیخ عبدالرزاق طائی ۵۱۹
- یاد شیخ تاج الدین ۵۲۰
- یاد شیخ فیضی فیاضی ۵۲۱
- یاد شیخ برہان علوی ۵۲۲
- یاد شیخ عبداللہ صوفی شطاری ۵۲۳
- یاد شیخ ولی محمد بن قاضی ۵۲۶
- یاد شیخ ناگھو ۵۲۷
- یاد شیخ سراج محمد بنیانی ۵۲۸

- ۵۲۸ یاد سید حسین.....
- ۵۳۰ یاد قاضی عبدالقادر.....
- ۵۳۲ یاد شیخ مبارک صدیقی شطاری.....
- ۵۳۲ یاد شیخ علم الدین مجذوب.....
- ۵۳۳ یاد شیخ علی افغان.....
- ۵۳۴ یاد شیخ کمال محمد عباسی.....
- ۵۳۵ یاد شیخ تاج العاشقین.....
- ۵۳۶ یاد شیخ ابر سعید پور جگن کھندوتی.....
- ۵۳۶ یاد شیخ کبیر برہنہ الوی دیپالپوری.....
- ۵۳۷ یاد شیخ مرتضیٰ پور سید محیی الدین بن سید یحییٰ گجراتی.....
- ۵۳۷ یاد شیخ نصیر خان.....
- ۵۳۸ یاد شیخ عبداللطیف پور ملک شاہ گوری.....
- ۵۴۰ یاد شیخ پیر محمد بن عبدالحکیم بن شیخ جلال محمد قادری برہانپوری.....
- ۵۴۱ یاد شیخ عبداللہ بن شیخ وجیہ الدین علوی احمدآبادی.....
- ۵۴۲ یاد شیخ منور بن عبدالمجید بن عبدالسکور بن حاجی سلیمان بنی اسرائیل.....
- ۵۴۶ یاد شیخ داود حلّاج.....
- ۵۴۸ یاد مولانا خواجہ محمد باقی.....
- ۵۵۱ یاد شیخ دولت گجراتی.....
- ۵۵۲ یاد شیخ صدر جہان بن ابوالفتح.....
- ۵۵۴ یاد سلطان حمید تپا.....
- ۵۵۵ یاد شیخ امین بن احمد نہروالہ.....
- ۵۵۶ یاد شیخ محمود بن سید ملک.....
- ۵۵۷ یاد بھائی اسحاق حصور.....
- ۵۵۸ یاد شیخ محمد حیٰ برہنہ سر.....
- ۵۵۸ یاد شیخ عبدالواحد تارک الانام.....
- ۵۵۹ یاد شیخ بدہ.....
- ۵۶۲ یاد شیخ نور محمد خلیل چانپانییری.....
- ۵۶۵ تمہید خاتمیت کتاب.....
- ۵۶۵ یاد شیخ ابوالفتح دہلوی.....

- ۵۶۷ مولانا عالم دہلوی
 ۵۶۸ مولانا سماء الدین جونپوری
 ۵۶۸ شیخ حاجی چراغ ہند و سید اسد الدین
 ۵۶۹ شیخ الہداد صالح
 ۵۶۹ دیگر از آن جملہ مولانا عبدالقادر صابونی است کہ افضل دانش فروشان مدارس
 ۵۶۹ و مولانا عبداللہ بن مولانا شمس الدین اناری لاہوری
 ۵۷۰ مولانا عبدالرحمان
 ۵۷۰ مولانا حسام الدین سبزو و مولانا حسام الدین سرخ
 ۵۷۱ مولانا بدر الدین اسحاق
 ۵۷۱ مولانا عبدالسلام
 ۵۷۲ شیخ شمس الدین و شیخ نور الدین
 ۵۷۲ مولانا قاضی شاہ لاہوری
 ۵۷۲ مولانا اسمعیل
 ۵۷۳ مولانا الہداد و مولانا شمس الدین ملتانی سلطان پوری
 ۵۷۳ خواجہ قطب الدین سہرندی
 ۵۷۳ شیخ بدر الدین سہرندی
 ۵۷۴ شیخ احمد سہرندی
 ۵۷۴ شیخ عبدالاحد سہرندی
 ۵۷۵ شیخ علاء الدین سارنی و شیخ وجیہ خیر الدین سارنی
 ۵۷۵ شیخ اختیار الدین سارنی
 ۵۷۷ شیخ یحیی کبیر بختیار
 ۵۷۷ سید حسین مشہدی
 ۵۷۸ سید شیخ بن شیخ عبداللہ عندوسی صادقی یمنی حضر موتی
 ۵۷۸ شیخ عبدالمعطی
 ۵۷۸ شیخ عبداللہ و شیخ رحمۃ اللہ
 ۵۷۹ سید عطاء محمد
 ۵۸۰ شیخ کلیم الدین موسی گجراتی
 ۵۸۰ شیخ نصیر جمال
 ۵۸۰ شیخ شریف محمد
 ۵۸۱ یاد شیخ عیسی بن شیخ قاسم سندھی

- ۶۰۱ یاد شیخ احمد بن شیخ عبدالأحد فاروقی سرھندی
- ۶۰۷ یاد شیخ خدا بخش مندوی
- ۶۱۰ یاد شیخ عبدالقادر بن ابی محمد بن احمد بن ولی هامون بغدادی
- ۶۱۲ یاد سید احمد افغان
- ۶۱۷ یاد سید ابراھیم نوری
- ۶۱۹ یاد شیخ عبداللطیف بن شیخ نور محمد احمد آبادی
- ۶۲۱ یاد شیخ عبدالستار
- ۶۲۲ یاد شیخ فضل اللہ نارنولی
- ۶۲۳ یاد شیخ نعت اللہ سخنوری
- ۶۲۴ یاد شیخ صالح حافظ
- ۶۲۵ یاد سید احمد قادری
- ۶۲۵ یاد سید حسن چشتی مندوی بن الہ بخش چشتی
- ۶۲۶ یاد شیخ بابو بن جیون بن بھائی خان بھیلیم
- ۶۲۷ یاد زندہ حاجی
- ۶۲۸ یاد شیخ عبداللہ مجذوب قادری بغدادی
- ۶۲۹ یاد شیخ چندن
- ۶۳۰ یاد شیخ تاج
- ۶۳۱ یاد شیخ ہمایون مجذوب بہاری
- ۶۳۱ یاد شاہ عمر خوشت گری
- ۶۳۲ یاد شیخ جمال بیابانی
- ۶۳۳ یاد شیخ الہ داد
- ۶۳۳ یاد شیخ کرم اللہ ملتانی
- ۶۳۳ یاد شیخ گدایی پانی پتی
- ۶۳۴ یاد شیخ برخوردار گجراتی
- ۶۳۸ ضمیمہ
- ۶۳۹ یاد شیخ نظام انبیتھی
- ۶۳۹ امیر سید شاہ محمد اخسنگیتی
- ۶۴۱ یاد شیخ جلال محمود تھانیسری
- ۶۴۳ یاد شیخ کمال الدین کمال مالوہ

۶۴۴	یاد شیخ محمود بن عارف چشتی
۶۴۴	شیخ عارف
۶۴۷	یاد سید عبدالواحد
۶۴۷	یاد میر سید صبغۃ اللہ
۶۴۹	یاد شمس الدین جالندری
۶۵۱	یاد شیخ جلال واصل رحمۃ اللہ کالپوی
۶۵۲	یاد شیخ بابو سادی
۶۵۳	یاد شیخ بدہ طیب بہاری
۶۵۳	یاد شیخ بدہ حقانی
۶۵۴	یاد شیخ دولت بن شیخ عبدالملک منیری
۶۵۶	یاد شیخ محمد فضل اللہ
۶۵۷	یاد شیخ ادھن
۶۵۸	یاد شیخ عبدالحق
۶۵۹	یاد مولانا محمد رضا شکیبی تخلص
۶۶۳	یاد شیخ فرید بن شیخ عبدالحکیم بن شاہ باجن چشتی برہانپوری
۶۶۴	یاد خواجہ علی مسیحی تخلص
۶۶۴	شیخ کاجا
۶۶۵	یاد شیخ داود شطاری ولد شیخ خان محمد
۶۶۶	یاد شیخ اویس پور غوث الاولیاء
۶۶۸	یاد حسن ابن موسی احمد آبادی
۶۹۱	تصاویر
۶۹۸	نمایہما
۷۰۱	اسامی و القاب
۷۲۷	جایہا
۷۳۳	اقوام
۷۳۵	کتب
۷۳۹	کتابنامہ

www.ketab.ir

مقدمه مصحح

شبهه قاره هند با همه جوابی دریایی و فرهنگی چندین هزار ساله، از جهات متعدد با ایران کهن پیوند دیرینه‌ای داشته و این پیوند با ورود اسلام به این سرزمین در سده‌های گذشته دو چندان شده و بدانجا رسیده است که در دوره‌هایی بعد زبان فارسی به صورت زبان مشترک فرهنگی ایران و هند اسلامی درآمده است.

روابط شبهه قاره هند با اعراب، ریشه در عهد سومریان دارد. در ایام باستان بین عربستان به ویژه بین حضرموت و سند و سواحل مالابار روابط بازرگانی وجود داشت. نخستین تماس مسلمین با شبهه قاره هند کمی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) (۱۱ هـ ق / ۶۳۲ م) شروع شد. در زمان عمر بن خطاب یک لشکرکشی دریایی برای تصرف سورات صورت گرفت (۱۶ هـ ق / ۶۳۷ م)، چهار سال بعد، نخستین هجرت مسلمین به سند آغاز گردید. گویند که پنج نفر از صحابه پیامبر (ص) برای تبلیغ اسلام وارد هند شدند، و همانها به احتمال زیاد ناقلان احادیث نبوی بوده‌اند.^۱ لیکن اسلامی شدن هند در سال ۹۳ هـ ق / ۷۱۱ م شروع شد و آن زمانی بود که محمد بن قاسم، سرزمین سند را تا ملتان تصرف کرد و بنیان حکومت مسلمین را که تا روزگار ما تداوم یافته، در آنجا بنی‌ریزی کرد.

بعدها، روابط بین سرزمین سند و دربار خلافت بغداد بسیار گرم شد. تعدادی از

علمای سند، از جمله فقهای بزرگی همچون اوزاعی و نیز ابومعشر نخستین نویسنده کتاب المغازی درباره غزوات پیامبر(ص) به کشورهای عربی سفر کردند، به طوری که برخی از شعرای سند، در میان اعراب اشتهار یافتند؛ چنان که عروض هندی در عراق به قدری شهرت یافت که جاحظ در کتاب الیاب خود آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.^۱

مُلتان و نواحی اطراف آن به دست اسماعیلیانی که از بحرین آمده بودند، فتح گردید. راجع به اقدامات ادبی اسماعیلیان در شبه قاره هند در ایام متقدم، اطلاعات کمی در دست است. لیکن آنها در قرون بعد، نوشته‌ها و آثار عربی چندی خلق کردند و ادبیات متأخر اسماعیلی در زبانهای سندی و گجراتی، از نقطه نظر مذهبی و زبانی قابل اعتنا می‌باشد. پس از اینکه سلطان محمود غزنوی، بخش شمال غرب هند را متصرف شد، نفوذ اسلام در همه جا سط پیدا کرد.^۲

از قرن ششم تا قرن نهم هجری قمری پیشگامان مطالعات و بررسی‌های حدیث و به طور کلی افکار اسلامی بیشتر عرفایی بودند که سعی می‌کردند در زندگی خود، از سیره پیامبر اسلام (ص) الگو بگیرند، و به همین دلیل علاقه داشتند تا آنجا که می‌توانند حدیث جمع آوری کنند. مجموعه احادیث نظام‌الدین اولیاء، بهاء‌الدین زکریا و بعدها شرف‌الدین منیری، همگی معرف این گرایش فکری هستند. یکی از مراکز مهم فعالیت‌های محدثین، بنگال شرقی و دربار بهمنیار در دکن (۷۴۸-۹۳۳ هـ ق / ۱۳۴۷-۱۵۲۶ م) در جنوب هندوستان بود.

گجرات برای فقهای کشورهای خارجی و دولتهای مسلمان، سرزمین مطلوبی بود؛ چون در جنوب هند، چند تن از حکام نظیر عادلشاهیان بیجاپور مذهب تشیع داشتند. در اواخر قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی مدرسه برهانپور در هند مرکزی، یکی از مراکز مهم معارف اسلامی شد. در زمان علی متقی نخستین تفسیر هندی در زمینه صحیح بخاری، توسط عبدالاول الزیدپوری (د. ۹۶۸ هـ ق) نوشته شد. همچنین تفسیر الرحمن علاء‌الدین مهائمی یکی از معتبرترین تفاسیر هند به شمار می‌رود.

۲. نک: مالهند، بیرونی، ص ۱۶۳.

۱. مروج الذهب، مسعودی، ج ۱، ص ۷۶.

شعر ساده از جمله چیزهایی بود که مورد پسند حوزه وسیعی از مردم عربی زبان این منطقه قرار گرفت. شعر عربی شبه قاره هند، در عهد مغول دوره طولانی داشت و پایگاه اصلی آن نیز دکن بود. مناسبات جنوب هند با فرهنگ عربی همیشه قوی بوده است، این امر از تعداد کثیر اقامتگاه‌های اعراب مسلمان در سواحل جنوبی هند استفاده می‌گردد. از لحاظ اجتماعی بر طبق روایتی، مردم سند از همان آغاز نسبت به آل علی (ع) علاقه نشان می‌دادند، چنانکه یکی از نوه‌های عمر بن علی بن ابی طالب (عمر بن علی برادر امی و صلیبی محمد حنفیه) را که به نام جعفر و ملقب به «المؤید من السماء» بود، به حکومت مولتان در ناحیه سند پذیرفتند^۱. در عهد خلافت مأمون هم بر طبق گفته مؤلف حبیب السیر، تعداد زیادی از مسلمانان سند به حضرت رضا (ع) علاقه‌مند شدند^۲. درخشانترین دوره حکومت اسلامی در هند به حکومت مستقل بایریان یا تیموریان که به مغولان معروفند، بر می‌گردد. دربار پادشاهان این سلسله مرکز تجمع شاعران و نویسندگان بوده است.

به جرأت می‌توان گفت که مهمترین عامل گسترش اسلام در شبه قاره همانا روابط فرهنگی و ادبی ایران و هند بوده است. در واقع اسلام از طریق ایرانیان به هند راه یافته است.

محمد بن قاسم ثقفی داماد و پسر عموی حجاج پیش از لشکرکشی به هند، به دستور حجاج، مدت‌ها در فارس اقامت داشت و به تدارک و تهیه وسایل جنگ مشغول بود. مخصوصاً به او تأکید شده بود که از طریق فارس به هند برود^۳. بنابراین بیشترین سپاهیان ری ایرانی و به ویژه از مردم فارس بوده‌اند، و این عاملی مهم در ترویج دین اسلام به دست ایرانیان در میان مردم عادی هند گردید. بعد از فتح سند، ملتان مدت دو بیست سال مرکز حکومت مسلمانان شد و این شهر اولین شهر شبه قاره بود که طبق اسناد موجود، مدن و زبان ایرانی، در قرن چهارم هجری در آن موقعیت خاصی داشته است؛ چنانکه

۲. حبیب السیر، خواندمیر، ج ۲، ص ۸۴

تاریخ بناکتی، ص ۱۱۷.

فتوح البلدان، بلاذری، ص ۳۲۹.

استخری، مورخ و جغرافی‌دان معروف ایرانی، می‌نویسد که زبان اهل مکران فارسی و مکرانی و در مولتان زبان فارسی را می‌دانند و لباس ایشان ایرانی است.^۱ در دوران خلافت عباسیان، اصولاً امیرانی که به حکومت سند گسیل می‌شدند، ایرانی بودند. بدیهی است که این امر به خصوص یعقوب لیث که به زبان فارسی علاقه داشتند، خود باعث نفوذ زبان فارسی در سند می‌شدند.^۲

حکمرانی هم که از نژاد ایرانی نبودند، کم و بیش خود تربیت شده محیط ایرانی بودند؛ از آن جمله هنگامی که در سال ۴۱۷ هـ ق حکومت امیر سبکتکین و فرزندش محمود بر شهرهای پیناور، لاهور و ملتان آغاز می‌شود، زبان فارسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. امیرانی هم که از جانب غزنویان به حکومت سایر بلاد هند منصوب می‌شدند، در مقر حکومت خود، درباری مانند پادشاهان ایرانی ترتیب می‌دادند و در تکریم شاعران فارسی زبان کوشش بسیار می‌کردند، که از جمله این شاعران می‌توان، مسعود سعد سلمان و ابوالفرح رونی را نام برد که در دربار شاهزادگان و امیران غزنوی منزلتی والا به دست آوردند.

رواق بازار شعر و ادب فارسی در زمان پادشاهی بهرام شاه (۵۳۷ - ۵۱۲ هـ ق) به درجه کمال خود رسید و در زمان وی بود که کلبه و دمنه به وسیله ابوالمعالی به فارسی درآمد.^۳

این امر که همه فارسی زبان بودند، به روش سامانیان در دربار خود مجمعی از سخنوران و شاعران فارسی‌گوی تشکیل می‌دادند و در این میان دانشمندان ایرانی در تمام نقاط هندوستان، مخصوصاً لاهور در ترویج زبان فارسی نقش اساسی داشتند.^۴ در دوره حکومت غوریان، دهلی هم که تا آن تاریخ به تصرف مسلمانان در نیامده بود، ضمیمه حکومت اسلامی لاهور شد و زبان فارسی در آن نواحی نیز رو به رواج نهاد. در زمان حکومت قطب‌الدین ایبک غوری و ناصرالدین قباچه و شمس‌الدین

۲. نک: تاریخ سیستان، ص ۸

۱. المسالک و الممالک، استخری، ص ۱۷۷.

۳. نک: تاریخ ادبیات ایران (از سنایی تا سعدی)، ادوارد براون، ج ۲، ص ۲۴۱.

۴. سرزمین هند، حکمت، ص ۸۵

التمش، این پادشاهان به ترویج زبان فارسی علاقه خاصی نشان می‌دادند. در همین عهد، علی بن حامد بن ابوبکر کوفی کتاب خود به نام فتحنامهٔ سند را به زبان فارسی درآورد. از شعرای معروف این عصر می‌توان فضلی بخارایی، ضیاءالدین سجزی، شمس‌الدین محمد بلخی و فضلی ملتانی را یاد کرد.^۱

چنانکه اشاره شد، ملتان از قرن سوم و چهارم هجری مرکز مسلمانان ایرانی شده بود و در زمان سلطان غیاث‌الدین بلبن و پسرش علاء‌الدین محمد شهید، دربار ملتان یکی از مراکز مهم ادب فارسی به شمار می‌رفت، و بعدها سعدی شیرازی در عصر خود، بارها دعوت گردید که به ملتان بیاید.

از لحاظ فن معماری نیز ملتان دارای آثار و بناهای بی‌نظیری است که همه از سبک معماری ایران و اسلام ریشه گرفته‌اند. بنگال هم در زمان ناصرالدین محمود بغراخان (۶۹۰ - ۶۸۱ ه.ق) به تصرف مسلمانان درآمد و دربار این پادشاه نیز در بنگال مرکز شاعران و دانشمندان فارسی زبان قرار گرفته بود. ابرخسرو دهلوی به مدت دو سال در بنگال به سر برد. پس از ناصرالدین محمود بغراخان، غیاث‌الدین اعظم شاه بن اسکندر، پادشاه شد. وی که پادشاهی ادب پرور و شعر دوست بود، حافظ شیرازی را به بنگال دعوت کرد، هر چند که حافظ موفق به سفر بنگال نشد. لکن غزل معروف ذیل را سرود و از سفر به هند صرف نظر کرد:

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود وین بحث با ثلاثه غسله می‌رود...^۲
شکرشکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود
در هنگام حمله مغولان به ایران، علاوه بر امرا و شاهزادگان ایرانی که به هند پناه برده بودند، عده‌ای هم از شعرا و نویسندگان ایرانی نیز رهسپار هند شدند و مخصوصاً به شهر لاهور که مرکز ادب فارسی به شمار می‌رفت روی آوردند که از جمله آنان می‌توان ز قانعی طوسی و عوفی، نام برد. گرچه لاهور هم از هجوم مغولان در امان نماند، اما هندی بعد به دست سلطان‌الدین بلبن رونق خود را از سر گرفت و یکی از مراکز تمدن

ایرانی و ادبیات فارسی گردید.^۱

اما در کشمیر گسترش فرهنگ ایرانی بیشتر مرهون دانشمندان و عرفایی چون میر سید علی همدانی است که در آن ولایت مقیم شد و خانقاهی در علاء الدین پوره کشمیر پی افکند، و بعد از او پسرش سید محمد، کار پدر را دنبال کرد.^۲ شهاب الدین کشمیری و جانشین او قطب الدین که هر دو ایرانی و شعر شناس و فرهنگ دوست بودند، به همت آنان مدارس و خانقاه‌هایی ساخته شد و حوزه‌های علمی در نقاط مختلف کشمیر دایر گردید. روابط فرهنگی ایران و کشمیر به جایی رسید که بعدها کشمیر را ایران صغیر نامیدند.

درخشانترین دوره همبستگی بین ایران و هند زمانی بود که سلسلهٔ بابرین در هند حکومت می‌کرد (۱۲۷۴ - ۹۳۱ ه. ق). در این دوره تعداد سخن‌سرایان فارسی زبان در هند به چند برابر ایران رسید. رونق بازار زبان فارسی تا بدانجا بود که حتی پادشاهانی مانند همایون شاه و اکبر شاه هم الشعرار می‌کردند که به فارسی شعر گویند. دربار این پادشاهان مجمع شعرا و سخن‌گویان فارسی بود. در حقیقت در همین دوره بود که در ایران و هند، در میان شعرا سبکی خاص پیدا شد که به سبک هندی معروف گشت.^۳ اکثر شاهان بابری که زبان مادریشان فارسی بود، نه تنها خود علاقه به شعر و ادبیات فارسی داشتند، بلکه تعدادی از بانوان حرم هم به زبان فارسی عشق می‌ورزیدند. دختر بابرشاه، به نام «گل‌بدن بیگم» کتابی تحت عنوان همایون نامه نوشت. دختر اورنگ زیب که «زیب‌النساء» نام داشت، زین ادیب و شاعره بود و در شعر «مخفی» تخلص می‌کرد:

در سخن «مخفی» شدم مانند بو در برگ گل

میل دیدن هر که دارد، در سخن بیند مرا^۴

تفکر و تصوف اسلامی در هند:

فاتحین عرب که به شبه قاره هند و پاکستان حمله‌ور شدند، نتوانستند اسلام را بالاتر

۱. تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۷۵. ۲. چگونگی گسترش اسلام، آرنولد، ص ۶۱۸.

۳. تاریخ ادبیات ایران، رضازاده شفق، ص ۵۵۵.

۴. نک: احوال و آثار غالب، فرجاد، ص ۲۴.

از وادی سند ببرند! اگرچه در این ناحیه این دین تازه در قلب مردم جای گرفته و اسلام بر بت پرستی غالب گردیده بود. ولی از زمان غزنویان به بعد بود که اسلام به وسیله عارفان و صوفیان و بزرگان دین به نقاط دور دست هند راه یافت، و چنانکه ذکر شد، اکثر این بزرگان دین، یا ایرانی الاصل بودند و یا تربیت شده فرهنگ ایرانی بودند که از این میان عرفا، بیشترین سهم را در گسترش اسلام در هند داشته‌اند.

شاید بتوان گفت یکی از علل موفقیت عرفا، بعضی وجوه مشترک تمدن و فرهنگ دو قوم آریایی ایران و هند بود؛ یعنی در حقیقت، این فرهنگ ایرانی اسلامی، به ویژه در شکل عرفانی اش بود که دین اسلام را در شبه قاره توسعه داد؛ و گرنه، جنگ و خونریزی، ولو به اسم جهاد، نمی‌توانست نتیجه مطلوبی به بار آورد، و تازه زمانی هم که حکام ظاهراً مسلمان، چه فیما بین خود و چه با هندوان کفار مشغول کشت و کشتار و جنگ و جدال بودند، باز همین ژنده پوشان پاک باخته و خرقه پوشان دل سوخته بودند که همچون مرهمی دردهای جامعه را التیام دادند و با نوبت امیدوارکننده خود، دل افسرده مردم زجر کشیده را حیات می‌بخشیدند.

در واقع این صوفیان بودند که در میان مردم کار ارشاد و اشاعه دین را شروع کردند و ایشان نه تنها در میان عوام نفوذ داشتند، بلکه پادشاهان هم به آنان ارادت می‌ورزیدند و برای آنها احترام قایل بودند و می‌توان گفت که اسلام پا به پای توسعه زبان و ادبیات فارسی و همگام با ترویج عرفان و تصوف در هند در حال گسترش بود.

عجیب‌تر آنکه تصوف اسلامی با زبان فارسی در شبه قاره تولد یافت و با انحطاط زبان فارسی هم از رونق افتاد.

هند در عرفان و تصوف به حدی پیشرفت کرد که در هر قرن صوفیان بزرگی در آن چشم گشودند و خانقاه‌ها برپا کردند و اکنون جای جای آن، معرض مشاهده خانقاه‌ها و یارت مزار عارفان است.

از صوفیان معروف که به تدریج وارد سند شدند می‌توان به خواجه بایزید بسطامی، سوفی بزرگ اشاره کرد که در دوره عباسی زندگی می‌کرد و مرشد وی ابوالاعلی

سندی، نخستین صوفی در سرزمین سند بوده است. از صوفیان و درویشان دیگری که هدفشان تبلیغ دین و نشر معارف اسلام بود و زبان فارسی را وسیله تبلیغات و وعظ و خطابه قرار داده بودند و نفوذ کلام آنان، مناطق مختلف شبه قاره را فرا گرفت، می توان از سید علی بن عثمان هجویری (متوفی ۴۶۵ هـ) نام برد که سرآمد صوفیان به شمار می آمد و صوفیان دیگر کار او را ادامه می دادند. از این بزرگان می توان به خواجه معین الدین چشتی، شیخ بهاء الدین زکریا مولتانی، سید عثمان شهباز قلندر، شیخ فخرالدین عراقی، فریدالدین مسعود گنج شکر، مخدوم شاه یوسف گردیزی، حضرت خواجه نظام الدین اولیا، سید اشرف جهانگیری سمنانی و غیره اشاره کرد.^۱

شایان ذکر است که ورود صوفیان و درویشان فارسی زبان به هند در دوره حکومت خاندان ایرانی و فارسی زبان با نام غزنویان (۳۸۶-۵۸۲ هـ) همراه بود و نخستین اثر فرهنگی در نشر به نام کشف المحجوب در زمینه تصوف و عرفان توسط هجویری نوشته شد. در این عهد صوفیان برای تبلیغ اسلام و توسعه و گسترش زبان فارسی در این نواحی، نقش مهمی ایفا کردند. پیروان آنان به منظور تبلیغ دین، سفرهای طولانی به نقاط مختلف هند داشتند. این درویشان ضمن تبلیغ، به کارهای فرهنگی نیز پرداختند و خدمات با ارزشی به یادگار گذاشتند. کنار مراکز حکومتی، خانقاه های صوفیان نیز دایر شد. معروفترین آنها در لاهور، دهلی، کشمیر، دولت آباد، ملتان، اوج و تته بود.

سلسله های صوفیان هند:

در شبه قاره چهار سلسله تصوف، یعنی چشیته، سهروردیه، قادریه و نقشبندیه از روزگاران گذشته تا امروز، مورد علاقه مردم آن سرزمین بوده و این چهار سلسله بیش از سلاسل دیگر تصوف اسلامی شناخته شده است و کم و بیش صوفیان شبه قاره به یکی از این سلسله های چهارگانه وابسته اند.

مقابر اولیاء و اقطاب هر چهار سلسله مورد احترام عموم بوده و هر ساله هزاران نفر

۱. نک: تاریخ زبان و ادب فارسی در هند، صافی، ص ۲۶.

مخصوصاً در ایام «عُرس» که روز وفات اقطاب و سالگرد رحلت اولیاء است، به سوی آرامگاههای مشایخ جلب می‌شدند. بزرگان هر چهار طریقه اگر چه عموماً از لحاظ عقیده سنی حنفی مذهبند، اما در مقایسه با مشرعیین ظاهری، نسبت به ائمه شیعه خلوص و ارادت بیشتری داشته، به حدی که در این مورد شاید دست کمی از خود شیعیان نداشته باشند. جالب توجه است که در سلاسل صوفیان چشتیه، سهروردیه و قادریه به طور کلی شجره طریقت خود را به حضرت علی (ع) می‌رسانند.

در سلسله نقشبندیه سلسله طریقت به خلیفه اول می‌رسد، لیکن باز از یک طرف سلمان فارسی که در این سلسله حرقه از خلیفه اول، ابوبکر، گرفته است، خود یکی از میردان و شیعیان حضرت علی (ع) به شمار می‌رود. پس ملاحظه می‌شود که عرفان اسلامی در هند و پاکستان گذشته از لحاظ ادبیات و زبان فارسی، از لحاظ نزدیکی با مذهب تشیع که مذهب اکثر مردم ایران است، ارتباط و وابستگی با ایران پیدا می‌کند و در حقیقت عرفان شبه‌قاره را می‌توان از هر نظر همان عرفان ایران اسلامی دانست.

علاوه بر این مؤسسين هر چهار سلسله، ایرانی الاصل بوده‌اند، چنانکه مؤسس چشتیه منسوب به قریه‌ای است در نزدیکی هرات خراسان، مؤسس سهروردیه منسوب است به سهرورد زنجان و مؤسس سلسله قادریه عبدالقادر گیلانی است، و بالاخره بنیانگذار سلسله نقشبندیه، بهاء‌الدین نقشبند از اهالی بخارا است و بخارا هم سابق بر این یکی از شهرهای معروف ایران بزرگ بوده است.^۱ برای روشن شدن مطلب مزبور و پیش از پرداختن به موضوع اصلی، بهتر است نیم‌نگاهی به هر چهار فرقه بینداریم:

چشتیه:

بنیانگذار این سلسله به نام معین‌الدین بود که در حدود سال ۵۳۶ ه‍.ق در سجستان سیستان) زاده شد و در خراسان پرورش یافت. وی پس از طی مسافرت‌های طولانی در ایران و بغداد، در سال ۵۶۱ ه‍.ق به اجمیر هند رسید و در همانجا ماندگار شد.

معین‌الدین مرید عارفی به نام شیخ عثمان هارونی از اهالی روستای چشت شهر هرات بود. به این جهت، فرقه صوفیان مورد گفتگو را «چشتیه» نامیدند.

بسیاری از شیوخ این سلسله مهاجرانی بودند که از نقاط مختلف به هند آمدند. از برجسته‌ترین مریدان شیخ معین‌الدین چشتی، یکی دیگر شیخ حمیدالدین صوفی و دیگری شیخ قطب‌الدین بختیار کاکای بودند که تصوف و سلسله چشتیه را به میان مردم برده و در سطح عوام گسترش دادند.

حمیدالدین گرچه در دهلی زاده شده، ولی اصلاً اهل هند نبود و نسبت او به سید بن زید از یاران پیغمبر اسلام (ص) می‌رسید. وی در روستاها زندگی می‌کرد و به تبلیغ تصوف مشغول بود و زندگی ساده‌ای داشت و در کلبه‌ای گلین به سر می‌برد. از برخورد با مأموران دولتی اجتناب می‌رزید و همانند روستاییان لباس سی‌پوشید و کشاورزی می‌کرد.

شیخ قطب‌الدین بختیار کاکای در تاجیکستان زاده شد و گویا پس از مرگ معین‌الدین به هند مهاجرت کرد و در شهرها به تبلیغ تصوف پرداخت. از شاگردان معروف شیخ قطب‌الدین، شیخ فریدالدین مسعود گنج شکر بود که برجسته‌ترین فرد سلسله چشتیه در سده سیزدهم میلادی به شمار می‌آمد. شیخ نظام‌الدین اولیاء و مولانا فخرالدین صفاهانی هم از شاگردان (خلیفه‌های) گنج شکر بودند. فخرالدین صفاهانی که منشأ مهاجرتش روشن است، ولی شیخ نظام‌الدین در هند زاده شد و اصلاً مهاجر و احتمالاً خاستگاه پدران‌ش شهر کابل بوده است. وی با دربار میاننده خوبی داشت و به کوشش او سلسله چشتیه به اوج شهرت خود رسید.

سهروردیه:

شیخ شهاب‌الدین سهروردی در زمان حیات خود مریدان و شاگردان معتبری در هند داشت که بسیاری به آن دیار مهاجرت کرده بودند. حتی بعضی احتمالاً به دستور مراد خود به هند رفته بودند. از جمله شاگردان معروف او که از پیش‌کسوتان سلسله

سهروردیه در هند بودند، عبارتند از: شیخ جلال‌الدین تبریزی، قاضی حمید ناگوری، سید نورالدین مبارک غزنوی، شیخ بهاء‌الدین زکریا، مولانا مجدالدین حاجی، شیخ زیادالدین روحی، و غیره. شیخ بهاء‌الدین زکریا را بنیانگذار سلسله سهروردیه در هند می‌دانند. وی که در سال ۵۶۵ ه‍.ق در ملتان زاده شد. اصلاً اهل مکه می‌باشد و جدش به خوارزم و سپس به ملتان کوچ کرده بود. مقر اصلی این سلسله شهر ملتان بود. شیخ بهاء‌الدین در بغداد خرقه خلافت از شیخ الشیوخ شهاب‌الدین سهروردی دریافت داشت. بسیاری از شخصیت‌های سرشناس این سلسله مهاجر بودند، و بعضی از ایران به هند کوچ کرده بودند. شیخ جلال‌الدین تبریزی از جمله آنهاست که در سده هفتم هجری به هند کوچید، و بر شیخ رکن‌الدین فردوسی که از عرفای معروف سهروردیه است، از خراسان به هند مهاجرت کرد. از دیگر عرفای این سلسله سید جلال‌الدین بخاری است که از بخارا به ملتان رفت و شیخ احمد از قندهار و شیخ حسن افغانی از افغانستان به هند کوچیدند.^۱

قادریه:

مؤسس این سلسله عبدالقادر گیلانی (متوفی ۵۶۱ ه‍.ق) بود که ابتدا این فرقه در عراق و سپس به وسیله اخلاف او در مراکش، اندلس، آسیای صغیر و هند، انتشار و رواج یافت و هم‌اکنون در ممالک و بلاد مختلف اسلامی دارای خانقاهها و تشکیلاتی هستند. عبدالقادر در سال ۴۷۰ ه‍.ق در گیلان متولد شد. در هجده سالگی به بغداد سفر کرد و در آنجا به تحصیل علم پرداخت. وی مؤسس رباطی در بغداد و رئیس مدرسه‌ای از مدارس مذاهب حنبلی بود. وفات وی در سال ۵۶۱ ه‍.ق اتفاق افتاد. اولین کسی که از این سلسله به سرزمین هند قدم گذاشت و از طریق هرات در هند به سیاحت پرداخت، سید صفی‌الدین صوفی گیلانی فرزندزاده شیخ عبدالقادر گیلانی بوده که خود سومین قطب یا مرشد این سلسله بوده است.^۲ لیکن شخصی که برای همیشه در هند سکونت اختیار

کرد و در واقع مؤسس سلسله قادریان در هند و پاکستان می باشد، سید ابو عبدالله محمد غوث گیلانی، هشتمین خلف شیخ عبدالقادر گیلانی و نهمین قطب این طریقه بوده است.^۱

مؤلف تاریخ مشایخ چشت صورت افرادی که در هند و پاکستان باعث ترویج طریقه قادریه بوده اند را به دست می دهد که عبارتند از: شاه نعمت الله قادری، سید محمد غوث، سید عبدالقادر ثانی بن محمد غوث گیلانی، سید موسی، و بالاخره شیخ عبدالحق محدث دهلوی.

نقشبندیه:

مؤسس سلسله نقشبندیه، خواجه بهاء الدین نقشبند در شهر بخارا متولد شد. نسبتش به چند واسطه به حضرت امام حسین عسگری (ع) می رسد.^۲ نام پدرش سید محمد و به شغل کمخابافی و نقشبندی اشتغال داشت. به همین دلیل طریقه ای که وی تأسیس کرد، به نقشبندیه معروف شد.

گذشته از مؤسس سلسله، پیروان این طریقه هم غالباً افرادی اهل علم و دانشمند بوده اند که از این میان می توان خواجه محمد یارسا مؤلف رساله قدسیه، خواجه یعقوب چرخى صاحب رساله ابدالیه، شاعر نامی عبدالرحمان جامی، و بالاخره کسانی چون خواجه محمد باقی بالله، ملا یوسف حسین و شیخ احمد سرهندی را نام برد که این افراد به نوبه خود باعث ترویج طریقه نقشبندیه در هند و سایر ممالک بوده اند و خدمات ارزنده آنها نیز به زبان فارسی در خور توجه است.

نقشبندیه به سعی و اهتمام خواجه محمد باقی بالله (متوفی ۱۰۱۲ هـ) در سرزمین هندوستان ترویج یافت و چنانکه خود وی گوید: «این تخم پاک را از سمرقند و بخارا آوردیم و در زمین برکت آگین هند کشتیم».^۳

۲. خزینة الأصفیاء، ص ۵۴۹.

۱. نک: شرف التواریخ، ص ۷۷۶.

۳. تاریخ مشایخ چشت، ص ۱۳۴-۱۳۱.

او پیروان بسیاری گرد آورد، لیکن از همه معروفتر خلیفه وی شیخ احمد سرهندی بود که او در واقع باعث رونق و عظمت سلسله نقشبندیه در هندوستان شد و به همین جهت از زمان وی این طریقه به سلسله مجددیه نقشبندیه شهرت یافت. بعد از وی چهار خلیفه او به نامهای سید آدم نبوری، خواجه محمد معصوم (فرزند شیخ)، شیخ محمد سعید (فرزند دیگر وی) و شاه حسین، طریقه او را در سرزمین هندوستان گسترش دادند و در حال حاضر نیز پیروان مجددیه در هند و پاکستان فراوانند.^۱

منابع منظوم و منثور صوفیه

سخنان مشایخ صوفیه که برای جمع برگزیده‌ای از مریدان و دیدارکنندگان ایراد می‌شد، به نوع متمایزی از آثار ادبی فارسی، مجال بروز یافت. این نوع آثار به «ملفوظات» (گفتارها، سخنان) معروف شد که مشتمل بر اشعار تعلیمی و حکایات و کلمات قصار است.

به دو طریق تدوین ملفوظات معتبر انجام می‌گرفت: نخست ملفوظاتی که یکی از اخلاف یا مریدان آن صوفی، مدتها پس از وفاتش فراهم می‌آورد و عموماً شامل چنین بخش‌هایی می‌شد: شرح حال مختصری، تعالیم عمده کرامات، گزارش از نوع مراقبه و ریاضات شیخ. چنین آثاری مبتنی بر حکایاتی بود که اعضای خاندان و مریدان آن صوفی فرایاد می‌آوردند و گاه نامه‌هایی را هم که در مکاتبه با شخصیت‌های مهم، رد و بدل شده بود، در آنجا می‌گنجاندند.

معتبرترین ملفوظات، مربوط به دسته دوم و حاوی سخنانی است که بلافاصله پس از ایراد پیر ثبت شده است و تاریخ نیز دارد. برخی اوقات مشایخ مسودات را باز می‌دیدند و صحت و سقم این تقریرات را بیان می‌کردند.

قدیمی‌ترین کتاب شناخته شده از دسته اول کتاب حالات و سخنان شیخ ابوسعید بن ابوالخیر میهنی، نوشته جمال‌الدین ابوروح نبیره شیخ ابوسعید است. پسر عموی این

مؤلف، محمد بن منور بن ابی سعید بن ابی طاهر بن ابی سعید، اثر مفصل تری نوشت و قسمت زیادی از کار عموزاده اش را در آن آورد و آن را اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید نامید. تألیف اسرار التوحید به منظور ستایش از کمالات معنوی شیخ ابوسعید بوده است و او را موجودی فوق طبیعی فرا می نماید.

در قرن هشتم هجری شمار این آثار تا حدود زیادی افزایش یافت و علت سرعت گرفتن این روند عمدتاً نیاز به کسب اطلاعاتی درباره اولیای پیشین چشتیه تا شیخ نظام الدین بود. کتاب ملفوظات شیخ نظام الدین اولیاء فقط مشتمل بر گزارشی از سخنان پانزده سال، یعنی تا سال ۷۲۲ ه.ق بود. این کتاب فواید الفؤاد نام گرفت. مجموعه گفته های شیخ حمید الدین ناگوری و نوه اش فرید الدین محمود سرور الصدور نامیده شد که بیشتر اطلاعات و جدابیت دارد تا نظم و اسلوب.

تدوین ملفوظات که با تبعیت از سنت مریدان شیخ نظام الدین و شیخ نصیر الدین (متوفی ۷۵۷ ه.ق) انجام می گرفت، یکی از ویژگی های بارز و مهم زندگی خانقاهی شد. از جمله ملفوظات باقی مانده می توان به موارد زیر اشاره کرد:

احسن الاقوال، سخنان شیخ برهان الدین عربی.

رفیق العارفين، سخنان شیخ حسام الدین مانکیپوری.

ملفوظات اشرفی، نوشته نظام حاجی.

معدن المعانی، سخنان شیخ احمد بن یحیی منیری.

خلاصة المناقب، سخنان میر سید علی همدانی.

سیر محمدی، سخنان سید محمد بن یوسف حسینی، ملقب به گیسودراز.

جوامع الکلم، سخنان سید محمد گیسودراز.

در قرن یازدهم هجری تعداد زیادی تذکره های صوفیه فراهم آمد که مهمترین آنها عبارت بودند از:

جواهر فریدی، اثر علی اصغر بن مودود بن شیخ محمد چشتی فتحپوری، در این کتاب

از کمالات معنوی شیخ فرید الدین گنج شکر و اخلافتش از سبکی مدح آمیز استفاده کرد.

مؤلف مطالب کتابش را از افسانه‌های بسیاری که درباره شخصیت شیخ فریدالدین گنج شکر و اعقاب معنویت و وجود داشت، فراهم آورد. این کتاب از قصه‌هایی مربوط به خوارق عادات ایشان، کارهایی چون طیران در هوا و به اسلام درآوردن جمع کثیری از هندوان سخن می‌راند.

سیر الأقطاب، نوشته اله‌دیه است که تألیف آن در سال ۱۶۴۶-۱۶۴۷م/۱۰۵۶ ه.ق پایان یافت. این کتاب شامل حکایات افسانه‌آمیز و عجیب درباره کرامات چشتیه به‌ویژه شانه صابریه می‌باشد.

زبدة المقامات، که در سال ۱۶۱۷ - ۱۶۲۸م. / ۱۰۳۷ ه.ق. گردآوری شده، شرح زندگانی نقشبندیان است. اما اطلاعات مفصل و جالبی را هم درباره چشتیان و سایر صوفیان متقدم ارائه می‌کند.

کلمات الصادقین: محمدصادق کشمیری همدانی که در دوران حکمرانی جهانگیر و شاه جهان می‌زیست. شرح زندگانی ۱۲۵ صوفی مدفون در دهلی را نوشت و آن را کلمات الصادقین نامید.

مجمع الاولیای امیر علی اکبر حسینی اردستانی، که به شاه جهان تقدیم شد، اثری عظیم و در بردارنده شرح زندگانی تقریباً ۱۴۰۰ صوفی هندی و غیر هندی است.

اسرار الأبرار مشکات، که متضمن اشاراتی به شرح حال صوفیان کشمیر است. معارج الولاية: غلام معین‌الدین عبدالله خویشگی قصوری، عالمی بود با استعداد کم نظیر. معارج الولاية مجموعه‌ای است که در ترجمه احوال صوفیان هند اهمیت بسزایی دارد. در کار غلام معین‌الدین تحلیلی نیست، ولی اهمیت آن در این است که قطعات برگزیده‌ای از مکتوبات و نامه‌های صوفیان و اسناد مربوط به ایشان را نقل می‌کند که آنها را جای دیگر نمی‌توان یافت.

ذکر جامع اولیاء، دهلی، نوشته محمد حبیب‌الله بن شیخ جهان اکبرآبادی که تألیف آن را در ۱۱۴۰ ه.ق / ۱۷۲۷ - ۱۷۲۸م. به انجام رسانید. به تقلید از کلمات الصادقین بوده است. گزارشی از صوفیان دهلی ارائه می‌کند.

سواطع الأنوار محمد اکرم که در سال ۱۱۴۲ ه.ق / ۱۷۲۹م. کار تألیف آن به پایان رسید.

مجموعه‌ای وسیع در شرح حال اولیای چشتی است.

روضه‌اولیاء، اثر میر غلام‌علی آزاد بلگرامی که در سال ۱۱۶۱ هـ.ق / ۱۷۴۸ م. نوشته شده، شرح حال جالبی از ده شیخ مدفون در خاک خلدآباد است.

ذکر الأصفیاء فی تکلمة سیرالأولیاء، در منقبت شمس‌الهدی نوشته گل محمد معروفی کرخی چشتی احمدپوری است. این کتاب شرح حال گرانبهایی از زندگانی چشتیان قرن یازدهم و دوازدهم هجری / هفدهم و هجدهم میلادی است.

و در نهایت گلزار ابرار، که از مهمترین تذکره‌های صوفیه می‌باشد، توسط محمد غوثی بن حسن بن موسی شطاری نوشته شده و این کتاب همچون اخبار الأخیار مبتنی بر اطلاعات گسترده‌ای است که در مآخذ در دسترس آن زمان وجود داشته و مشتمل بر شرح حال ۵۷۵ تن از صوفیان و علمای شبه قاره هند است که به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت.

همچنین اکثر تذکره‌های این دوره به نام یکی از سلاطین هند یا امرا و حکام یا منسوبین آنها تألیف شده است؛ چنانکه روضه السلاطین به نام ابوالفتح شاه حسین ارغون حاکم سند و تته و جواهرالعجائب به نام دین‌الکبر شاه، و بزم‌آرای به نام عبدالرحیم خان‌خانان، و خلاصة الاشعار، اول به نام شاه طهماسب صفوی و سپس به نام شاه عباس بزرگ صفوی و در نهایت به نام ابراهیم عادلشاه سلطان بیجاپور و مجمع‌الشعراى جهانگیر شاه عنوان شده است.

این دوره در تاریخ تذکره‌نویسی شاعران هم دارای اهمیت فراوانی می‌باشد؛ چون در تذکره‌های این دوره نه تنها ذکر تمام شعرای زمان تیموریان هند آمده است، بلکه بعضی تذکره‌ها شعرای متقدم را هم شامل است؛ بنابراین تذکره‌های این دوره نه تنها در تدوین شعر فارسی در زمان تیموریان هند مآخذ منبع بسیار مفیدی است، بلکه تا حدودی آینه‌تطور و تحول شعر فارسی از زمان قدیم تا زمان تیموریان بزرگ هند می‌باشد.^۱

در این دوره دو تذکره بسیار مهم از لحاظ انتخاب اشعار شعرا تألیف شده است: یکی به نام بتخانه و دیگری خلاصة الأشعار که نویسندگان آن دیوان شعرای بزرگ متقدم فارسی را در تذکره‌های خود خلاصه نموده و اکثر اشعار خوب آنان را در این تذکره‌ها آورده‌اند.

تقریباً تمام تذکره‌های این دوره به زبان فارسی ساده بوده و تنها در مقدمه مخصوصاً در موقع حمد و نعت و منقبت و مدح پادشاه و امیر یا ممدوحان دیگر مؤلف و همچنین در موقع تعریف شعرا و عرفا به زبان مصنوع پرداخته‌اند. تنها کتابی که در این دوره به سبک مصنوع نوشته شده است، بزم‌آرای است که مؤلف آن تحت نفوذ سبک عوفی قرار گرفته و کتاب خود را به همان سبک عوفی تألیف نموده است. البته عبارت‌پردازی‌های گلزار ابرار را در مواردی اندک نباید فراموش کرد، بالأخص در اوایل و اواخر هر «چمن» و نیز آنجا که به تحلیل مباحث عرفانی می‌پردازد.

گلزار ابرار و مؤلف آن

محمد غوثی شطاری بن شیخ حسن بن موسی احمد آبادی است. پدرش فرزند شیخ حسن که در نتیجه حوادثی که بعد از ۹۴۲ هـ ق / ۱۵۳۴ م. در گجرات به وجود آمد، از مسکن مألوف ترک وطن کرد و در مندر ساکن شد و آنجا بود که محمد به سال ۹۶۲ هـ ق / ۱۵۵۴ م. به دنیا آمد. دوران کودکی محمد در مندر سپری شد و همانجا نشو و نما یافت.

وی در پنج سالگی به مدرسه رفت و نزد شیخ کمال‌الدین بن سلیمان قریشی (نک: گلزار، ص ۳۵۸ - ۳۵۹) قرآن آموخت. سپس به آموزش زبان فارسی پرداخت. در یازده سالگی یعنی در ۹۷۳ ق / ۱۵۶۵ م. پدرش را از دست داد و خوارده‌اش به تنگی معیشت دچار شد.^۲ ولی این باعث آن نشد که او دست از تعلیم بکشد. در هفده سالگی ازدواج کرد و با تنگی معاش زندگی گذراند. در گجرات شیخ سراج‌الدین که یک شطاری صوفی بود، او را در حلقه تلامیذش پذیرفت و پس از آن به تعلیمات عالیه در گجرات ادامه داد و زیر نظر شطاری بزرگ، شیخ وجیه‌الدین علوی در احمدآباد (پایتخت گجرات) تعلیماتش را تکمیل نمود.

۱. ترجمه از اردوی این شرح حال را مدیون دوست عزیز و فاضل گرانقدر، حجت‌الاسلام سیدصادق حسینی اشکوری هستیم.

۲. وی شرح حال پدرش را در همین تذکره، ذیل «حسن بن موسی احمدآبادی» آورده است.

در سال ۹۹۸ق / ۱۵۹۰م. یعنی در ۲۵ سالگی به فکر تألیف گلزار ابرار افتاد، اما در سال ۱۰۱۰ق / ۱۶۰۲م. این کار را با تشویق دوستانش آغاز کرد. وی در ضمن کتاب چندین بار به تاریخ تألیف اشاره دارد؛ چنان که در ذیل احوال شیخ برهان‌الدین غریب به سال ۱۰۲۰ق. اشاره می‌کند و در ذیل احوال جامی به ۱۷ رجب ۱۰۲۱ق. اشاره دارد. (ص ۲۱۴)

چنانکه اشاره رفت، محمد غوثی در مندو (ماندو) اقامت داشت و خود شطاری بود. اما از سایر سلسله‌ها و مشایخ آنها اطلاعات گسترده‌ای داشت. وی با راهبردی تحلیلی به خوبی متفطن نقش اجتماعی و اخلاقی صوفیان آن روزگار شد و با دقت فراوان شروح احوال را در یک توالی تاریخی مناسب گنجانده^۱.

محمد غوثی پس از سالها تلاش در تدوین گلزار، بالاخره سومین و آخرین مسوده این کتاب را آماده کرد و مهمترین تألیف خود را به جهانگیر شاه اهدا نمود.

در مقدمه مؤلف پس از تحمیل به خود، با سر عنوان «سرآغاز تمهید فراهم آمدن این نامه و سَمّه‌ای از بیان باعث» به شرح چگونگی پیدایش انگیزه تألیف این کتاب می‌پردازد و می‌نویسد که چون اکبر شاه قصد فتح دکن و حاندیش را نمود، در جمعی که از فضلاء لشکر و کبرای معسکر حضور داشتند و خود اهل مطالعه بوده‌اند، از محمد غوثی در سؤالی می‌پرسند که: «... چرا تصویر پرده‌گزینان ضمن‌نشین به چهره‌گشایی خامه رنگ عبارت نپذیرد؟... اگر بر زبان راند کج‌گرایی روزگار و غفلت‌پیشگی و فطرت‌کوتهی و نامساعدت زمانه و مانند آن باز داشت، پاسخ عادتیان ظاهرین است، و اگر برسراید در کار کرد ایزد بی‌همال... گفت و شفت گنجایش ندارد، گفتار کتابان مدت‌گزین است. چون هیچ طرزی را به هنگام جواب برجا ندید ناگزیر سر بر زانوی خموشی بر نهاد. از این‌رو هیچ مانعی جز بی‌توجهی ندانسته، از کثرت آرزومندی و رفور خواهرشی که داشتند فراوان کوشش و ترغیب به کار بردند...».

پس از اتمام این اثر تمام دلمشغولی مؤلف نامی است که می‌خواهد بر این اثر بنهد که آن نیز بر اثر یک الهام در خواب مرتفع می‌گردد، می‌نویسد: «... دوش شیخ قطب عالم بن محمد سید جیو که از نبایر سید علاء‌الدین رانهی است، به خواب دیدم از سفر حجاز

برگشته، در منزل نگارنده فرود آمد. به من هم‌خانه شده، از چگونگی حالت خدیو وثاق پرسید. گفتم: غوثی حسن در این فرصت لختی احوال معارف مآل مشایخ پابسته قرطاسی نقوش می‌سازد و جوایب نام و خواهان تسمیه آن است. گفتا: از من سلام برسان و این مصرع برخوان؛ مصرع: نهادم نام این گلزار ابرار».

غوثی گلزار ابرار را در پنج طبقه تقسیم بندی می‌کند:

۱. اصحاب تحقیق که پاکیزگی ظاهری و باطنی دارند.

۲. دانشمندان و علماء.

۳. اهل سلوک و تارکین دنیا که به سبب ریاضت به پاکیزگی روحانی رسیده‌اند.

۴. زاهدان (صوفیان و دراویش).

۵. مجذوبان (کسانی که در عشق خداوند گم شده‌اند).

علاوه بر آن می‌توان یک تقسیم‌بندی زمانی نیز بر کتاب قائل شد که در پنج «چمن»

(۱- سده هفتم؛ ۲- سده هشتم؛ ۳- سده نهم؛ ۴- سده دهم؛ ۵- گروه شطاریان عمدتاً

معاصر مؤلف) است^۱ و صورت ظاهری کتاب نیز بر این پنج «چمن» مترتب است.

لذا گلزار ابرار با ذکر «یوسف ملتانی» شروع شد تا ذکر «حسن بن موسی احمدآبادی» به انجام می‌رسد؛ چنانکه گفته شد، روی هم رفته ذکر ۵۷۵ تن از صوفیان و عرفای هند را شامل است. مؤلف در ذیل نام هر شخص شرح حال او را به اختصار، اما به طور مفید آورده و سعی کرده است تا آنجا که اطلاعاتی داشته از سال تولد و فوت هر صوفی مطلبی را ذکر نماید.

بنابه روایت خود غوثی در تمهه چمن سوم (ص ۲۳۷) تألیف این کتاب در هفت سال صورت یافته و در این مدت برای تدوین احوال مشایخ به شهرهای مختلف سفر کرده است. سپس سه سال مرتب ساختن آن طول کشیده و پس از آن یک سال طی شده تا کل کتاب پاکنویسی و بازبینی نهایی گردد. در این مدت نسخه‌برداری و مرحله‌نهایی دو نفر از شاگردان خاصش، به نام عبدالاول و حسن محمد یاور غوثی به یاری استاد شتافتند و استاد از ایشان به عنوان «نیرین آسمان سخن‌گزار» یاد می‌کند. در تمهه (ضمیمه) گلزار ختتام بیاض آن را رجب ۱۰۲۲ق. یاد می‌کند. (نک: ص ۶۶۸)

روی هم رفته این کتاب اطلاعات مفیدی را دربارهٔ تصوف و صوفی‌گری هندی ارائه می‌کند. با وجود این حقیقت که کتاب مورد بحث تذکرهٔ جامعی از تمام عرفای هندی نیست، مع ذلک اگر شرح حال و گزارشی را که مؤلف در این کتاب از حالات و افکار و زمانهٔ هر یک از صوفیان هندی می‌دهد، در نظر بگیریم و مورد سنجش قرار دهیم، چه از حیث جامعیت و چه از لحاظ بکر بودن برخی مطالب در معرفی شخصیت‌ها می‌توان این تذکره را جز بهترین تذکره‌های فارسی - هندی به حساب آورد.

سبک مؤلف ساده و عاری از تکلف و تصنع است و تقریباً همه جا مؤلف زبان فارسی امروزه را به کار برده است و از این حیث در شبه قارهٔ هند و پاکستان در ردیف تذکره‌های مهم و ارزشمند محسوب می‌شود.

از آنجا که مؤلف با اکثر صوفیان و اشخاصی که ذکر آنان را در این تذکره آورده است ملاقات کرده یا از نزدیک با آنها آشنایی داشته و اکثر آنان از معاصرین و رفقای مؤلف بوده‌اند، بنابراین شرح حال و مطالبی که در این کتاب آورده شده، مورد اعتبار و اعتماد می‌باشد.

مؤلف در تألیف این کتاب از منابع و مأخذ مهم بسیاری استفاده و بهره برده است که اهم آنها به قرار ذیل می‌باشند:

نحات الانس جامی، کشف‌المحجوب شیخ علی هجویری، عوارف المعارف سهروردی، سیرالاولیاء میر خوردگی، فوائد القواد میر حسین سجزی، سیرالعارفین شیخ جمال، اخبار الاخیار عبدالحق محدث دهلوی، جامع الحکایات شیخ نورالدین، سلسلة العارفین مولانا محمد قانع، تکلمة مولانا عبدالغفور، اصول انوار شیخ کمال‌الدین حسین، رسالهٔ محمدیهٔ قادریه از شیخ ابوالمعالی، کتاب جامع از میر عبدالحی، تذکرهٔ الاولیاء از پیر محمد حسن، سرورالصدور از شیخ فرید، ملفوظات شیخ حمیدالدین سوالی، تحفة الابرار عزیزالدین صوفی، ملفوظات شیخ نظام‌الدین اولیاء، دُرر نظامی خواجه شیخ علی، ملفوظات چراغ دهلوی، تذکرهٔ مولانا علیم کابلی و شرف‌الدین نهری، مکتوبات شیخ شرف‌الدین یحیی منیری، مکتوبات نور قطب عالم.

و از تصنیفات علمای زیادی نیز بهره برده است؛ مانند رسایل علی پیرو، رسایل سید زین‌العابدین، تصنیفات گیسودراز، مانند معدن‌المعانی، جواهر خمسه، اوراد، کلید مخازن، بحر

الحیات؛ و از تفاسیری همچون تفسیر رحمانی از شیخ علی پیرو، بحر موج از قاضی شهاب‌الدین عمر دولت‌آبادی، نورالنبی شیخ کمال‌الدین حسین، و غیره. وی علاوه بر متون مذهبی از تواریخ سیاسی نیز استفاده کرده و به آنها ارجاع داده است؛ نظیر طبقات ناصری از ضیاء‌الدین برنی، تاریخ فیروز شاهی، از محمد بهاء مغانی، مآثر محمود شاهی از مولانا شمس‌الدین محمد زیرک.

نسخه‌های موجود و مورد استفاده

پیش از همه باید یادآور شد که گلزار ابرار در سال ۱۳۲۶ ه.ق. توسط فضل‌احمد جیو به زبان اردو ترجمه شده و به نام اذکار الأبرار مسمی گشته و در همان سال در آگره و در سال ۱۳۹۵ ه.ق. در لاهور به چاپ رسیده است. اما متن فارسی این کتاب در سال ۱۵۹۴ م. توسط دکتر محمد ذکی در پتینه هند به چاپ رسید و پس از آن به سال ۲۰۰۱ م. تجدید چاپ شد. این چاپ شامل مقدمه‌ای کوتاه در احوال مؤلف به زبان اردو می‌باشد. هر چند در انتشار این کتاب در چاپ مزبور چند نسخه مقابله شده و اختلافات آنها در پاورقی‌ها آمده است، اما باز اغلاطی در متن وارد شده که چشمگیر است؛ لذا ما بر آن شدیم تا اختلافات موجود را در پاورقی‌ها بینزاییم و رمز این نسخه را با حرف «م» متمایز ساختیم. علاوه بر آن به میکروفیلم^۱ از نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۵۰۶ دست یافتیم که از روی نسخه خطی کتابخانه موزه سالار جنگ در هند به شماره ۸۶۰ تهیه شده است. نشان این نسخه در پاورقی‌ها «خ» می‌باشد. این نسخه، نسخه خوب و کم‌غلطی است، هر چند که چند برگ از آخر آن از نیمه کتابخانه پارگی دارد.^۲

همچنین نسخه دیگری در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان موجود است که به شماره ۱۲۷۹۹ می‌باشد و قسمت عمده آن از آغاز و انجام افتادگی دارد؛ لذا در مواردی خاص مشکلات متن را با استفاده از آن رفع نمودیم. تصاویر هر سه نسخه مورد استفاده در

۱. فهرست میکروفیلم‌ها، ج ۳، ص ۱۶۳.

۲. فهرست موزه سالار جنگ، ج ۲، ص ۴۹۳.

آخر کتاب ضمیمه است.

البته نسخه‌های دیگری نیز از آن موجود است که دست‌یابی بدانها به سهولت میسر نبود؛ چنان که نسخه‌ای در کتابخانه آصفیه به شماره ۱۷۷ نگهداری می‌شود و غیره. لذا بر آن شدیم تا با تکیه بر سه نسخه چاپی پتته و خطی سالار جنگ (میکروفیلم دانشگاه تهران) و نسخه گنج بخش کار را به انجام برسانیم، و بحمدالله این سه نسخه برای احیای این اثر مهم بسنده کرد و اثر حاضر را به حول و قوه الهی به مرحله انتشار رسانید.

تقدیر و تشکر

البته در این راه اگر یاری و عنایت سروران و عزیزانی چون جناب آقای دکتر محمد رجبی دوانی، ریاست محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی، و فاضل گرانقدر جناب آقای بهروز ایمانی نبود، این مهم به وقوع نمی‌پیوست؛ لذا جا دارد از صمیم قلب از این بزرگواران و همکاران گرامی‌شان که در تمام مراحل انتشار اثر، بنده را یاری فرمودند، نهایت تشکر و قدردانی را به جای بیاورم.

همچنین از دوستان عزیزم جناب آقای مسعود غلامیه و جناب آقای رضا علیمحمدی و خانم فاطمه شاملو که در مراحل نمونه‌خوانی و حروفچینی و صفحه‌بندی بنده را یاری فرمودند.

از دوست فرزانه و فرهیخته‌ام، جناب آقای سیدحسین مرعشی که عبارات عربی متن را بازمینی فرمودند، و از جناب آقای سیدصادق حسینی اشکوری که نسخ این اثر را در اختیار بنده قرار دادند و زحمت ترجمه مقدمه اردوی چاپ پتته را تقبل فرمودند. همچنین از تمامی دوستانی که به انحاء مختلف زحمات گاه و بیگاه بنده را متحمل شدند، نهایت سپاس و قدردانی را به جای می‌آورم؛ خدایشان توفیق دهد.

والسلام

یوسف بیگ باباپور

تهران - بهمن ماه ۱۳۹۰ شمسی